

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بسیاری از زحمتکشان انقلابی و مسلمانان مبارز در مراجعه به اعضا و هواداران حزب توده ایران، از اوضاع بحرانی کنونی و رکود و عقب نشینی انقلاب ایران نگرانی کرده و می پرسند که چه باید کرد؟ ما در زیر به این پرسش پاسخ می دهیم و پیشنهاد های حزب توده ایران را در مورد راه بیرون رفتن از بحران در میان می گذاریم. و از رفقا می خواهیم که به اطلاع کارگزاران زحمتکشان و مسلمانان مبارز برسانند.

خطر اجاست؟

هیچ کس در جامعه انقلابی ما در این باره که انقلاب دچار بحران شده و خطرات جدی آن را تهدید می کند، تردید ندارد. ضد انقلابیون آشکارا خوشحالند و بهم وعده می دهند و انقلابیون نگران و در فکر چاره آیت الله منتظری به مسئولین دولتی توصیه می کنند که بجای شعار دادن برای مردم کار کنند. اما مسئولین دولتی می گویند که دست دولت بسته است، «بلا تکلیفی وجود دارد» و یا بنا به گفته آقای موسوی نخست وزیر: «بقیه در صفحه ۶»

راه توده

نشریه ماهنامه حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ مطابق ۱۴ رجب
۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ آوریل ۱۹۸۳
مکان اقامت: خیابان شماره ۳۹
تلفن: ۴۰۰۰۰۰۰۰

شهر ذوق و میل دختر بار دیگر شاهد

حزب توده آمریکا شد

بسیار خوشحالیم که در راه طولانی گردیدن حزب توده آمریکا در شهر ذوق و میل دختر بار دیگر شاهد فعالیت های مبارزانه و خستگی ناپذیر این حزب در راه آزادی و استقلال ایران شد. این حزب در پی تحقق اهداف انقلابی و مبارزه با استعمار و امپریالیسم است. ما در ۲۷ فروردین بدستی با این حزب همکاری می کنیم تا بتوانیم با تمام نیرو برای تأمین آزادی و استقلال ایران تلاش می کنیم. ما در پی پیروزی انقلاب اسلامی هستیم و در هر چه می توانیم برای تحقق این انقلاب و استقلال ایران همکاری می کنیم. ما با تمام توان و قوای خود در راه آزادی و استقلال ایران مبارزه می کنیم. ما در پی پیروزی انقلاب اسلامی هستیم.

یک انقلاب هنگامی پیروز می شود که اصلاحات بنیادی دستاورد آن باشد. اصلاحات نیم بند و ظاهری نشانه آنست که انقلاب رو بشکست می رود.

شیوه تخته شلای و نان برای کامل انقلاب

وزارت بازرگانی اطلاع داد که کالاهای لغو می شود. جرایم...

راستگرایان برای منصرف کردن خلق از اهداف اولیه انقلاب به شیوه های متوسل میشوند. از جمله ادعا میکنند که در این ناخوشی نیست و سپس با انواع حیل تبلیغ این دروغ بزرگ می پردازند و تمام امکانات خود را برای اثبات این مدعا بکار میگیرند. آنان با احتکار و گرانفروشی مایحتاج روزانه مردم به کمک محاصره اقتصادی امپریالیست می روند تا با ایجاد کمبود مصنوعی و گرانی مردم را مستاصل کنند. دستهای دیگر ضد انقلاب هم البته بی کار نیستند. از یکسو با تقلیل ۵۰ درصد حقوق کارمندان - و از سوی دیگر با ثابت نگاه داشتن حداقل دستمزد کارگران در سطح سه سال پیش که با ادعای کهنه و مزورانه "بالا رفتن حقوق موجب بالا رفتن قیمتها است" انجام میشود، راستگرایان و ضد انقلاب دست در دست هم میگویند. باز هم بیشتر به مردم القا کنند که گویا "دولت تا جبر خوبی نیست" و خلق را نسبت به انقلاب بدبین و بدبین تر سازند.

بقیه در صفحه ۶

بیانیه حزب توده ایران در دفاع از آزادی و استقلال ایران

چند روز پیش در تهران توفیق رفیق نورالدین کیانوری در بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران و جمعی از رهبران و رهبری این حزب اخباری انتشار یافت. دستگاه تبلیغاتی دولتی به سزای داشت شدگان اتهامات بی پایه ای را نسبت میدهند. این اتهامات پوچ همواره از جانب کسانی که تحمل فعالیت مبارزین سر سخت و مقاوم علیه امپریالیسم و ارتجاع را نداشتند وارد شده است.

برافراشته باد درفش اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

نیروهای راست افراطی و ارتجاعی در حاکمیت کور ایران با دستگیری تعدادی از رهبران حزب توده ایران از جمله نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب، مرتکب جرم بزرگی علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران شدند.

این عمل محافل خاکه ایران حاکی از خارج کردن نیروهای سالم انقلاب ایران توسط نیروهای بنیادین ارتجاعی که ظاهراً خود را در حاکمیت کشور جاسا کرد ماند و بدنیال تعلیق انجام اصلاحات تصاقی اجتماعی بسود زحمتکشان در آغاز این ماه انجام میگیرد. چنین تضییقات بیرحمانه ای در حقیق مهور پرستانی چون رهبران و اعضا حزب توده ایران، حزبی که سالها علیه سلطنت ضد خلقی و طرفدار امپریالیسم با روح نمونه وار ایشارگرانه و با ادای سهم بزرگی در پیروزی انقلاب مبارزه کرده است، نمیتواند نگرانی و خشم دوستان مردم ایران را بر نیانگیزد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان بطور تزلزل ناپذیری بر این عقیده است که تضییقات آغاز شده علیه پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان ایران که با اتخاذ یک سری اقدامات قهرقشای و موج جدید شوروی ستیزی همراه گشته است تنها در خدمت منافع امپریالیسم و عمال آن در ایران است که به اشکال مختلف در حال تهیه ساختن انقلاب ایران از ماهیت خلقی و دمکراتیک و ضد امپریالیستی آن هستند.

حزب کمونیست پاکستان ضمن محکوم ساختن بازداشت رفیق نورالدین کیانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران توسط مسئولین حکومتی ایران، خواستار آزادی فوری آنهاست. حزب کمونیست پاکستان همبستگی کامل خود را با اعضای مبارز حزب توده ایران در مبارزه علیه ارتجاع و نیروهای طرفدار امپریالیسم در ایران که خواهان بازگرداندن ایران به اردوگاه امپریالیسم و محروم ساختن مردم ایران از ثمرات واقعی مبارزات انقلابی خلقی و ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی خود هستند، اعلام میکند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان
۴ مارس ۱۹۸۳

نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی و عددی دیگر از رهبران حزب برادر، حزب توده ایران در تهران بازداشت شد ماند.

رهبران حزب توده ایران با اتهامات دروغین و معمول مواجه هستند. این یورش علیه حزب توده ایران آغاز توطئه جدید آمریکا به منظور منحرف ساختن انقلاب ایران، از سنگبری ضد امپریالیستی و بالاخره بر اندازی آن انجام گرفته است.

دولت ریگان برنامه جدیدی را در ژانویه گذشته آغاز کرده است که هدف از آن استفاده از نیروهای ۲۰۰ هزار نفری مداخله سریع در عملیات نظامی در بیش از ۱۹ کشور خاور نزدیک از جمله ایران است. امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است. این بازداشتها در دورانی که عملیات خرابکارانه افزایش یافته اند به انقلاب ایران صدمه وارد میسازد. حزب توده ایران سهم ارزنده ای در انقلاب ایران از زمان آغازی آن ادا کرده و مبارزه شجاعانه و بیدریغی در راه منافع خلق انجام داده است. حزب توده ایران در جلب همبستگی نیروهای جهانی صلح و ترقی با انقلاب ایران نقش بزرگی ایفا کرده است. هر حمله ای علیه این حزب با عظمت طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، مستقیماً انقلاب را نشانه گرفته است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه بخوبی میداند که این اتهامات ناروا و شوروی ستیزانه "جاسوسی" که به حزب توده ایران نسبت داده شده چه معناست. هدف از این دروغها در کشور ما پیوسته توجیه حمله امپریالیسم و ارتجاع، خصوصاً بر زمین مناسبات میان ترکیه و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بوده است. بازمانده های ساواک و عمال "سیا" که عملیات خود را گسترش داده اند، میخواهند ایران را از دوستان قابل اطمینانش از طریق این اتهامات جدا و آزمایند. سازند. بازداشت رفیق نورالدین کیانوری و دیگر انقلابیون ایرانی نگرانی دوستان انقلاب ایران در کشور ما را برانگیخته است.

اما در کشور ما چه کسی از این بازداشتها حمایت میکند؟ اینها طبیعتاً دوستان انقلاب ایران نیستند. روزنامه های ارتجاعی و طرفدار امپریالیسم که از جنایات دستگاه ارتجاعی نظامی علیه خلق مائپشتیبانی میکنند، این بازداشتها را بازگشت انقلاب میبینند و شادی خود را نیز پنهان نمیکنند.

هر کسی میداند که دستگاه نظامی در ترکیه، سیات و کاکارانهای در قبال ایران دنبال میکند. این دستگاه آرزوی بازگشت روزی را دارد که ترکیه همراه شاه در سنتو، نیروی قابل توجه امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای کشورهای اسلامی بشمار میرفت.

کوشش برای متحد ساختن ترکیه مستقیم و غیر مستقیم با اسرائیل و رژیمهای مرتجع عرب در بلوک نظامی این نظر را کاملاً تصدیق میکند.

تمام این تلاشها در ارتباط با هدف آمریکابراسی کسب مواضع از دست رفته در ایران است. محافلی که بازداشت رهبران حزب توده ایران پشتیبانی میکنند با آنهاست که با استفاده از نیروهای مداخله سریع از خاک کشور ما موافقت کردند. فرقی ندارند

آنهاست که بدین منظور ۱۱ پایگاه هوایی را ایجاد کرده و گسترش دادند. حزب کمونیست ترکیه بارها نقشه های استفاده از ارتش ترکیه برای انجام حمله ای علیه ایران را فاش ساخته است.

بالاخره از آن دستگاه ارتجاعی نظامی که از طرف کسانی که از این گاززار ضد کمونیستی راضی بودند حمایت میشود همه بازمانده های ضد انقلابی ساواک و ساواک اجازه داده است تا در بخشهای شرقی کشور ما پایگاههای خود را ایجاد کنند. این عمل آنها را به انجام عملیاتی برای ضربه زدن به انقلاب ایران قادر میسازد. کمونیستهای ترکیه میخواهند باور کنیم که نیروهای که میل دارند انقلاب ایران سنگبری ضد امپریالیستی خود را ادامه دهند واقع بینی از خود بخرج خواهند داد. حزب کمونیست ترکیه که دارای پیوند های برادرانه با حزب توده ایران است، با تمام نیروی خود در جهت خنثی ساختن حملات علیه انقلاب ایران از خاک ترکیه خواهد کوشید.

همبستگی با حزب توده ایران و مردم این کشور وظیفه حتمی تمام نیروهای مینپهرست کشور است. حزب کمونیست ترکیه خواهان آزادی رفیق کیانوری و تمام رهبران و اعضای آن است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه
۲۲ فوریه ۱۹۸۳

رفیق نورالدین کیانوری و رفقای حزبی او را آزاد کنید

بغیه از صفحه ۳

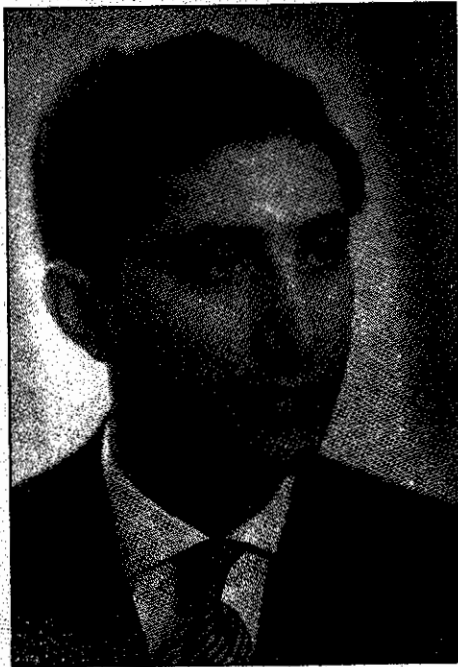
به جنگ کیفیت رژیم دیکتاتوری صدام علیه جمهوری اسلامی ایران اعتراض کرده، همیاری خود را پسا حزب توده ایران، این حزب برادر، اعلام میدارد. وزیر رهبران جمهوری اسلامی ایران آزادی رفیق نورالدین کیانوری و یاران حزبی او که زندگی خود را در خدمت به خلق و مردم زحمتکش ایران گذاشتند خواستار است. ما همچنین میخواهیم که به تعقیب های غیر قانونی علیه افراد خاتمه داد شود و کار و فعالیت این حزب آزاد گذاشته شود و حقوق دمکراتیک و آزادی خلقهای ایران مردم زحمتکش برسمیت شناخته شود. جمهوری اسلامی فقط از این راه میتواند به مستضعفین و زحمتکشان خدمت کرده و در برابر هجوم امپریالیسم جهانی خصوصاً امپریالیسم آمریکا که طراح مخاصم بر هیاهو علیه کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی است پایان دهد و علیه فعالیت عناصر ضد انقلابی که در صفوف نیروهای انقلابی شکاف انداخته و بسنه اختلافات دامن میزنند پایان دهد و بسازگشت براه انقلابی را ممکن سازد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق
فوریه ۱۹۸۳

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق منوچهر بهزادی:

چهل سال رزم آگاهانه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی



رفیق منوچهر بهزادی در پانزدهم آذر ماه ۱۳۰۶ در شهر تهران زاده شده است. او در آذر ماه سال ۱۳۲۴، یعنی هنگامی که ۱۸ ساله بود، پس از چند سال هواداری، عضو سازمان جوانان توده ایران شد و بدنبال ورود به دانشکده حقوق دانشگاه تهران، در ربیعماه ۱۳۲۵ به عضویت حزب پذیرفته گردید. او تمام مدارج حزبی را گام به گام پیموده و همیشه آنجائی بوده که حزب نیاز داشته و به او مسئولیتی واگذار میکرده است. او نخستین مسئولیت تشکیلاتی خود را از دبیر حسوزده شدن در ربیعماه ۱۳۲۶ آغاز کرد و سپس مسئولیت های مهمتری برعهده وی گذاشته شد و چون همیشه ظایفش را با برخوردی دقیق و آگاهانه و پیوسته بهترین وجه انجام میداد، پیوسته انجام مسئولیتها سنگین تری از او خواسته میشد. عضویت شعبه تبلیغات و تعلیمات ایالتی تهران نخستین وظیفه جدی خارج از حوزه برای او بود. سپس رفیق بهزادی را بعنوان عضو کمیته محلی ۳ تهران، عضو شعبه تعلیمات کل، عضو شعبه مطبوعات کل، عضو کمیته دانشگاه، نماینده تشکیلات کل در فارس، عضو کمیته محلی آبادان و عضو کمیته ایالتی خوزستان می بینیم. درست در این زمان است که مبارزه دشوار برای ملی شدن نفت در جریان می باشد و رفیق بهزادی برای تجهیز کارگران نفت علیه شرکت سابق نفت انگلیس با موفقیت می کوشد. پیش از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، رفیق بهزادی دیگر مسئول دبیرخانه کمیته ایالتی تهران و مسئول بخش تهران است. حدود یکسال پس از کودتا، اعمال دستگاه امنیتی شاه بر اثر شکنجه کردن افراد گوناگون به گوشه ای از مسئولیت های رفیق

بهزادی پی برد هاند و برای دستگیر کردنش دو بار به خانه او هجوم می برند ولی هر دو بار با دست خالی باز میگردند. بعلت خطرناک شدن وضع در اضراف رفیق بهزادی، حزب تصمیم می گیرد او را از زیر ضربه خارج کند. از اواسط سال ۱۳۳۳، زندگی در دیر ری رفیق بهزادی آغاز می گردد. او که فارغ التحصیل دانشکده حقوق تهران بود، در خارج از کشور نیز ضمن انجام تمام و کمال وظایف حزبی خود موفق میشود دکترا ی خود را در رشته اقتصاد سیاسی با موفقیت بگیرد. از این پس تمام معلومات علمی و تجربیات وسیع او در کارهای روزنامه نگاری، تشکیلاتی، تعلیماتی و تبلیغاتی در خدمت حزب و توده های زحمتکش ایران، کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان شهرو روستا قرار میگیرد. رفیق بهزادی بخصوص در مبارزه با انواع انحرافات در درون جنبش کارگری و کمونیستی سهم ویژه ای داشت و مقالات روشن، مستدل، محکم و ساده او را برای تأمین اتحاد نیروهای انقلابی ایران هیچ رزمند های نمی تواند فراموش کند. اوج خدمات ارزنده رفیق بهزادی را که دیگر عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران است، در خدمت به حزب و طبقه کارگر ایران، در صفحات "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب می توان دید، که پس از انقلاب بیستم ۵۷، در تهران به مسئولیت و آغاز به انتشار کرد و در مدتی کسبه روزنامه امکان انتشار داشت، برغم انواع فشارهای پنهان و آشکار توانست مشی عمیقاً انقلابی حزب را در روزنامه دنبال کند. "نامه مردم" زیر مسئولیت رفیق بهزادی از بهترین روزنامه های کشور بود و خدمات عظیمی به انقلاب کرد.

می دوم در هر خیابان کوجه و پس کوجه های تنگ سرد رگ بانگ بر میدارم از آغاز صبح پیش رس تا شام آی مردم! نامه "مردم" آن که می خندد برهم آن که هر، وای کند پرواز می گیرد به سویم آن که چندین کوی و برزن می دود در جست و جوی می زاید خستگی های من از تن می دهد حق مرا با آن نگاه مهریانش بیشتر از پول خردی که گوگد از در کف من.

رفیق نورالدین کیانوری و رفقای حزبی او را آزاد کنید

حزب در برابر تهاجم رژیم دیکتاتور نشانیه صدام علیه ایران و برای تضمین وحدت عمل نیرو های انقلابی و خلقهای ایران در یک جبهه متحد خلقی، جهت حفظ و تحکیم انقلاب و شکوفائی آن بسود توده های زحمتکش بپا خاست و با وجود تمامی مشکلات، موانع، تعقیب ها، پرووکاسیون ها از جانب عناصر راستگرا و عوامل نفوذی ساواک که علیه هر گونه دموکراسی، آزادی، حقوق توده ها و تکامل انقلاب بپنجه مردم زحمتکش بیوند مبارزه کرد و به این سیاست وفادار ماند. این اقدامات توأم با فشار علیه حزب توده ایران میتواند دشمنان مردم ایران خصوصاً امپریالیسم آمریکا را شادمان کند. توقیف نورالدین کیانوری و رفقای حزبی او و هیاهوی تبلیغاتی علیه حزب توده ایران و علیه کمونیسم در مراجع رسمی و غیر رسمی و رسانه های گروهی هجومی است علیه حقوق دمکراتیک خلق و ضربه ایست علیه یکی از نیروهای مهم انقلاب ایران و خدمتی است به مرتجعین و امپریالیستها. حزب کمونیست عراق که در تأیید انقلاب ایران

حزب توده ایران در اعلام و خواست مبارزه مسلحانه علیه تضحیات شدید و ارتجاعی رژیم شاه و عاالش، از قبیل شاپر بختیار و ژنرالهای ارتجاعی ارتش، در مبارزه انقلابی مسلحانه جهت تغییرات قطعی به نفع انقلاب در روزهای قبل از انقلاب پیروزمند فوریه سال ۱۹۷۹ نقش مهمی داشت. پس از پیروزی انقلاب در همان روزهای اول حزب به وظیفه خود که حفاظت از دستاورد های عظیم خلقهای ایران و معرفی راستگرایان و لیبرالها این عالمین امپریالیسم که انقلاب را به گمراهی میکشاند و بار دیگر خواستار بازگشت آن پدایمان امپریالیسم بودند پرداخت. او هم چنین سازمانهای دیگر را از اقدامات و فعالیتها ی ماجراجویانه که به ضرر انقلاب بود بر حذر میداشت. حزب با درک مسئولیت و شجاعت اقدامات ناصحیح مسئولین مربوطه را مورد انتقاد قرار میداد و با نیروی هر چه تمامتر از اعمال و اقدامات صحیح حاکمیت پشتیبانی میکرد.

بقیه از صفحه ۱
ایران است و از آغاز تاسیس خود در اوائل سالهای ۱۹۴۰ که بیش از چهل سال از آن تاریخ میگذرد علیه امپریالیسم، استبداد رژیم سلطنتی و پسرای دموکراسی و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی ایران پیوسته مبارزه میکند. این حزب در صفوف مقدم مبارزه علیه شرکت نفت و ملی کردن صنعت نفت در سالهای ۱۹۵۰ قرار داشت. پس از کودتای زاهدی عامل امپریالیسم آمریکا در سال ۱۹۵۳، حزب بیش از ۲۵ سال با خشم و تنفر شدید کودتاچیان ارتجاعی و اقدامات خفگان آمر رژیم شاه و جنایتکاران ساواک روبرو شد که منجر به تلفات و زندانی شدن و تبعید عده کثیری گردید. در مرحله قبل از انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ حزب با فعالیت شدید خود در تهیه توده ها و ادامه مبارزه فعالانه شرکت داشت و در تحریک طبقه کارگر خصوصاً کارگران قهرمان صنایع نفت، در مبارزه جهت سقوط شاه و رژیم خونخوارش نقش بسزائی داشت.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان مبارزان ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی بیکارجوی طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر جهان را از صمیم قلب به شما شادباش میگوید. ما امسال اول ماه مه را در شرایط دشواری برگزار می‌کنیم، در شرایطی که انقلاب بزرگ و شکوهمند مردمی ایران دچار بحران شده و اگر نتوان با نیروی متحد مردم، آنرا از بحران رها کرد و به پیش‌راند، شکست انقلاب یا مسخ و بازگشت آن حتمی است.

اول ماه مه سال ۱۳۵۸، نخستین روز کارگر در بهار آزادی را یاد آورید. چه شهر و ناشاطبی در انقلاب بود! چه تلاشی در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها! چه امیدی در دل‌های دهقانان ستکس و مردم آزاده شهرها! آن اول ماه مه را با اول ماه مه امسال مقایسه کنید، آیا جلوتر رفتیم؟

تردیدی نیست که در چهار سالی که گذشت انقلاب بزرگ ما در چندین عرصه مهم پیروزی‌های چشمگیری داشته است. از جمله ما موفق شدیم اساس سلطنت را براندازیم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به تصویب برسانیم، نهاد های حکومتی را برپا کنیم، امیرالیست‌ها را از کشور برانیم و استقلال سیاسی کشور را تأمین کنیم، توطئه‌های امیرالیست و عمال داخلی اش را بشکنیم و ارتش مجاور عراق را از مرزهایی خود برانیم.

همه اینها موفقیت‌های بزرگ و چشمگیری است که به بهای فدکاری و ایثار کم نظیر توده‌های ستکس و بی‌رغم کارشکنی‌ها و توطئه‌های ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ بدست آمد.

کمیست که نداند در به ثمر رساندن انقلاب بهمن، شما کارگران مبارزان ایران نقش اساسی داشتید. پیروزی انقلاب بدون شرکت جانبازان شما در تظاهرات و اعتصابات یا شکوه انقلابی میسر نمی‌شد. در لحظات بینهایت حساس و پرمسئولیت ستیز با نظام جابرانه شاهنشاهی، اعتصاب متشکل کارگران رزمده صنایع نفت، راه آهن، برق و دیگر واحدهای تولیدی و خدماتی کشور، ضربه کاری را بر رژیم فاسد و منحط وارد آورد.

با پیروزی انقلاب، زحمتکشان کشور و بویژه طبقه محروم کارگر ایران انتظار داشتند که خواسته‌های برحق آنان بتدریج جامه عمل پوشیده، دولت جدید با اتکا به نیروی لایزال توده‌های میلیونی دست غارتگر انحصارات امیرالیستی و کلان سرمایه‌داران داخلی را از صنایع و مواد اولیه کشور کوتاه کند و با انجام اصلاحات ارضی مردمی به سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و ملی کردن تجارت خارجی و موسسات بزرگ صنعتی، کنترل توزیع داخلی و برنامه ریزی‌های علمی کوتاه مدت و دراز مدت در راه صنعتی کردن کشور، در راه ایجاد نظام نوین مردمی گام‌های

جدی بردارد و با تصویب قانون کار مترقی و تأمین بیمه‌های اجتماعی و ایجاد کار برای اردوی بیکاران کشور و تأمین مسکن، بهداشت و تحصیل زحمتکشان و برسمیت شناختن حق شکل کارگران در سازمانهای صنفی و سندیکایی خود و ایجاد تعاونی‌های کارگری، به مبارزات پر مشقت و ایثار گرانه زحمتکشان کشور ارج گذارد.

طبقه کارگر انتظار داشت که مسئولین امر با تدبیر لازم در راه اتحاد همه نیروهای راستین مدافع انقلاب گام‌های اساسی بردارند و با استقبال از پیشنهادات عملی و پسرارزش نیروهای صدیق انقلابی در این مورد، تحکیم و تکامل انقلاب را تضمین کنند.

ولی متأسفانه این انتظارات به حق برآورده نشد و ناراضی‌های مردم روز به روز فزونی یافت و میوه انقلاب بیشتر نصیب طبقات ممتاز گردید. اینان موفق شدند که پس از انقلاب هر ماه به قدر ده سال غارت کنند.

در آغاز کار این وضع چندان غیر منتظره به نظر نمی‌رسید. زیرا انقلاب نمی‌توانست یکسویه نظام اقتصادی و اجتماعی را که از دوران شاه به ارث رسیده بود از میان بردارد. امید این بود که انقلاب به پیش می‌رود و مسائل خود را حل میکند. در واقع نیز انقلاب در آغاز گام‌هایی برداشت و امید‌هایی ایجاد کرد.

اما اینک که چهار سال از انقلاب گذشته متأسفانه این امیدها به تحقق نپیوسته و برعکس راست‌گرایان افراطی مدافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان هر روز حلقه را برگردن زحمتکشان تنگ تر می‌کنند و از پیشرفت انقلاب جلوگیری کرده، راه بازگشت آنرا هموار می‌سازند.

چنانکه میدانیم انقلاب بزرگ مردمی ما سه شعار اساسی داشته و دارد: استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی.

استقلال ملی

از این سه شعار، شعار نخستین یعنی استقلال ملی در جهت تأمین استقلال اقتصادی که اساس استقلال است هنوز گام‌های موثری برداشته نشده و اگر معاملات پشت پرده‌ای که با انحصارات بزرگ امیرالیستی در جریان است به نتیجه برسد، چیز زیادی از آن باقی نخواهد ماند.

آزادی

در مورد شعار آزادی، انقلاب، دستگامه استبداد سلطنتی را در هم کوبید و این خود موفقیت بسیار بزرگی است، ولی متأسفانه عمال امیرالیست و محافل راستگرا میکوشند رفته رفته همان حرف‌های زمان شاه را زنده کنند و هر حرکت انقلابی را خرابکاری و هر انتقاد سازنده را ویرانگر بنامند و سرکوب کنند. بویژه فشار بر سازمانهای کارگری در این چهار سال همواره رو به افزایش رفته است. امیرالیست‌ها و عمال داخلی‌شان برای محدود کردن کارگران و جلوگیری از

تشکل آنان، از یکسو عدای از خرابکاران را که مأمور کرد ننگه انواع گروهک‌های مدعی مارکسیسم را تشکیل دهند و از سوی دیگر خرابکاری ایمن گروهک‌ها را که خود آفریده بودند، و طبق نقشه خود آنها عمل می‌کردند، دستاویز فشار به طبقه کارگر قرار دادند.

حاصل اینکه امروز حزب توده ایران، که چهل سال است با فداکاری از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان ایران دفاع می‌کند، زیر فشار شدید و در معرض افتراهای زشت قرار گرفته و سازمانهای صنفی کارگری فلج شد مانند شوراهای کارگران روز بروز محدود تر میشوند، سندیکاها زیر فشارند، کافی است چند کارگر در هر جمع شوند و موافق قانون اساسی درباره بیمه‌های اجتماعی و مسائل صنفی خود حرف بزنند، که به هزار جرم ناکرده متهم شوند. اما وضع سرمایه‌داران غارتگر یا کارگسران و زحمتکشان فرق دارد، آنها آزادند، خیلی هم آزادند، نه فقط آزادند که مردم را بیرحمانه غارت کنند، بلکه آزادند که متشکل شوند، بسه جمهوری اسلامی فشار آورند و جاده را برای یک حکومت ضد انقلابی صاف کنند.

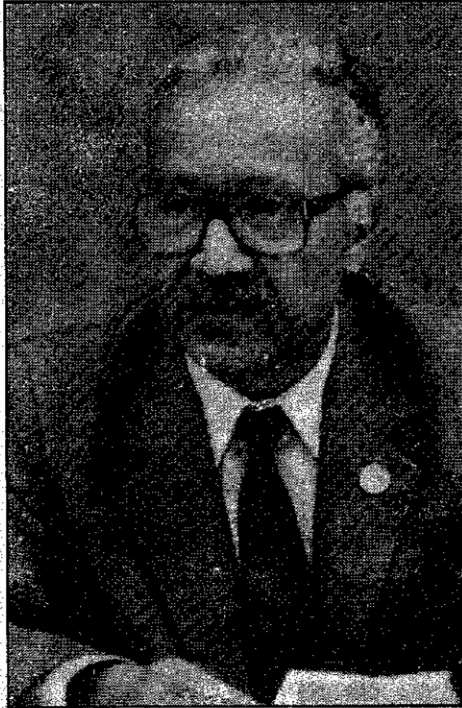
عدالت اجتماعی

سومین شعار اصلی انقلاب عدالت اجتماعی است که امروز در مرکز شعارها و در کانون حرکت انقلابی قرار گرفته است، زیرا استقلال ملی اگر با عدالت اجتماعی توأم نشود، استوار نمی‌ماند و تا وقتی عدالت اجتماعی نباشد، آزادی واقعی نخواهد بود.

عدالت اجتماعی چیست؟ آیا فقط مناسبات فرهنگی و اخلاقی است یا یک نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مبتنی بر منافع زحمتکشان باشد؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی، عدالت اجتماعی را قبل از همه در نظام اقتصادی میداند، نظامی که در آن بهره‌کشی انسان از انسان وجود نداشته باشد، مالکیت وسائل تولید بطور عمده ملی و تعاونی، یعنی از آن توده مردم، گروه‌های اجتماعی زحمتکش باشد و بخش خصوصی یعنی سرمایه‌داری نقش کنکی را ایفا کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این می‌بناست که رفع نیازهای انسان، تأمین امکانات مساوی و ایجاد کار برای همه افراد، ریشه‌کن کردن فقر، تأمین بهداشت، مسکن، خوراک و پوشاک، آموزش و پرورش رایگان برای همه مردم را وعده می‌دهد.

متأسفانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ایجاد اصلی خود به گونه فراموشی سپرده شده است. کسانی که در موقع تصویب این قانون یا پیش‌بینی تمام حزب توده ایران را متهم به دروغ‌گویی می‌کردند و مدعی بودند که گویا این حزب ریاکارانه به قانون اساسی رای مثبت میدهد، امروز که وقت اجرای قانون رسیده، نقاب از چهره برداشته آشکارا در برابر بقیه در صفحه ۱۷

سخنرانی رفیق علی خاوری عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس علمی کارل مارکس و زمان ما - مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی (یازدهم تا شانزدهم آوریل ۱۹۸۳ - جمهوری دموکراتیک آلمان)



نوامبر ۱۹۱۰، از شماره شانزدهم بیعد، تا چند شماره دیگر، سلسله مقالاتی مستقیماً برای معرفی مارکس و مارکسیسم نشر می‌دهد. این سلسله مقالات، برخلاف مقاله مهم چند دهه پیش، با اطلاع روشن تری از مارکسیسم نگاشته شده و لحن آن نسبت به این آموزش انقلابی لحن تأیید آمیز است.

شایان ذکر است، که درست در این زمان که روزنامه "ایران نو" آموزش مارکس را برای خوانندگان ایرانی خود معرفی می‌کرد، در واقع این بینش انقلابی در میان قشری از روشنفکران و عناصر ماقبل پرولتاری زحمتکش ایران، رخنه یافته و سازمانهای خود را بوجود آورده و در مسیر انقلاب بورژوازی ایران و پیروزی آن بر شاه قاجار، نقش نظرگیری را ایفا نموده است. سیال دموکراسی انقلابی در روسیه از طریق قفقاز اثرات خود را در اندیشه و شیوه‌های مبارزه در انقلاب ایران باقی گذاشت. انقلاب ایران بنوعی پژواک انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، در یکی از کشورهای آسیای پدل شد و ایران از این جهت در آسیا نقش پیشاهنگ انقلابهای ملی و دمکراتیک را ایفا نمود. گروههای سوسیال دموکرات بصورت پنهانی در شهرهای بزرگ کشور (مانند تهران، رشت، تبریز، مشهد و غیره) به فعالیت دست زدند. نلین، خواه در جریان انقلاب ایران و خواه پس از آن، توجه فراوانی بندان معطوف داشت و قطعنامه خاص صادره از جانب کنفرانس دوازدهم بلشویکها در شهر پراگ در سال ۱۹۱۲، برای جنبش مردم ایران ارزش بزرگی قائل شده است.

نه تنها انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در کشور ما تأثیر داشت و برای نخستین بار راه فرخنده اندیشه‌های مارکسیستی را به کشور ما هموار ساخت، بلکه بویژه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر انقلابی که مارکسیست کبیر دوران ما لنین آنرا رهبری مینمود، اثرات عمیقی در گسترش اندیشه و عمل انقلابی در کشور ما باقی گذاشت. مارکسیسم در کشور ما ریشه دوانده بود و با وجود تعقیب و سرکوب دائمی پلیس رژیم استبدادی ملیشمار-یستی پهلوی، سازمانهای مخفی مارکسیستی یکی پس از دیگری تشکیل میشد.

در سال ۱۹۳۶، گروهی از اعضای یسک سازمان مارکسیستی، که به "پنجاه و سه نفر" معروف شدند، به جنگ پلیس افتادند و دکتر ارانی، انقلابی مبرز و مارکسیست برجسته، در زندان شهید شد.

دوران نوین گسترش مارکسیسم-لنینیسم در تئوری و در عمل، با تشکیل حزب توده ایران در سالهای جنگ دوم جهانی تحقق یافت. حزب توده ایران ادامه دهنده راه سازمانهای مارکسیستی پیش از خود بود. در این دوران،

رفیق محترم هونکر
رققا و دوستان محترم!

قبل از هر چیز بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران، از حزب سوسیالیست متحد آلمان و دبیر کل آن - رفیق اریش هونکر بخاطر ابتکار پر ارزش تشکیل و برگزاری این کنفرانس علمی صمیمانه تشکر میکنم.

ما، معتقدیم که تحلیل عمیق و همه جانبه رفیق هونکر از اوضاع سیاسی جهان نه تنها انعکاس روشن و دقیق نگرانی و امیدهای همه انسانهای شریف جهان است بلکه خود نمونه درخشان قدرت دینامیک و همیشه زنده ایده‌ها و جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی است.
رققا و دوستان محترم!

موضوعات پنج سال از روز تولد و صد سال از تاریخ درگذشت یکی از بزرگترین نوایخ تاریخ، تیتان اندیشه و عمل، پیشوای پرولتاریای جهان کارل مارکس می‌گذرد.

امروز پس از گذشت بیش از صد سال از پیدایش آموزش انقلابی مارکسیسم که کارل مارکس و همسر کمپرس فریدریش انگلس، بنیادگذاران آن هستند، تأثیر این آموزش در ساخت و پرداخت سرنوشت بشریت و در آغاز کردن عصری که آنرا مارکس و انگلس "عصر اختیار انسان" نامید مانده است. همیشه نیرومندتر و زرف تر است. آن آموزش، که دهها و صدها بار مخالفانش آنرا "کهنه" و "رد شده" اعلام داشتند، امروز بیش از همیشه عقل و قلوب بشریت را تصرف می‌کند.

آشنائی ایرانیان با آموزش مارکس، در سده نوزدهم، در ایام حیات مارکس و چند سالی پس از کومون پاریس انجام گرفت. نخستین مقاله‌ای که در باره جنبش سوسیالیستی در مطبوعات ایران منتشر گردید، مقاله‌ایست که در شماره ۱۲، روزنامه‌های بنام "ایران" در هفتم مارس سال ۱۸۸۰ نشر یافته است.

روشن است که در آن ایام، نویسنده مقاله تصور روشنی از آموزش مارکس و تفاوت بنیادین آن با آموزشهای خرده بورژوازی سوسیالیستی تخیلی و آنارشیتی و نیپیلیستی نداشته و حتی سوسیالیسم علمی را با برخی مکاتب قرون وسطائی ایران، مانند "مزدکسیم" و "اسماعیلیسم" همانند گرفته است. ولی بهر جهت اهمیت مقاله نامبرده در آنست، که مردم ایران بوسیله آن گویا برای اولین بار، از جنبش سوسیالیستی و کمونیستی در اروپا آگاه میشوند، زیرا تا آنوقت، تنها جمعیت‌های مخفی فراماسونی بودند، که اندیشه‌های لیبرالی بورژوازی را در جامعه ایران اشاعه میدادند. در دوران نخستین انقلاب بورژوازی ایران (۱۹۰۶-۱۹۱۱)، روزنامه دیگری، بنام "ایران نو" در نهم

اندیشه انقلابی مارکسیستی در قشرهای زحمتکش، بویژه در میان طبقه کارگر نوجوان خاسته صنعتی کشور ما، نفوذ نمود. این پیار گرجه اطلاع مبارزان انقلابی کشور ما، که در حزب توده ایران متشکل شده بودند، از تئوری مارکسیسم-لنینیسم و تاریخ جنبش انقلابی جهان و ایران و انطباق این آموزش بر پراتیک انقلابی، در مقایسه با ادوار پیشین، به مراتب زرف تر و دقیق تر بود.

این خود از قانونمندیهای تاریخی است، که آموزش انقلابی مارکسیسم، که دارای سرشتی پویا، انتقادی و انقلابی است، پس از زایش خود، تکاملی را در زیر نفوذ رهبری ملی می‌کند، مسائل مشخص را طرح و حل مینماید و بر تناقضات و نارسائیهای خوبش در برخورد با عمل انقلابی در گستره‌های مختلف و در برخورد با تکامل معرفت انسانی، گام به گام غلبه می‌کند و دمدم به یسک بینش جامعه‌متر، همه سویه تر و دقیق تر و واقع‌بین تر بدل میشود. چنین قدرت رشد و تحول و تکاملی در سرشت این آموزش است، زیرا به درک درست دیالکتیکی تاریخ، اعم از تاریخ طبیعت و تاریخ انسان، تکیه داید.

در سالهای پنجاه میلادی و در دوران گسترش مجدد جنبش ضد امپریالیستی برای ملی کردن صنایع نفت ایران، یارد دیگر بحلت پیدایش شرایط اعتلا نهضت، حزب توده ایران توانست صفوف خود را فشرده تر سازد. در این جنبش نقش قابل ملاحظه‌ای ایفا نماید. ولی حزب در بقیه در صفحه ۱۵

شیوه تخته شلاق و نان برای مسخ کامل انقلاب

بقیه از صفحه ۱

آنها برای پرثمرتر شدن حاصل این عمل خائنانه و ضد انقلابی خود، راه هر نوع تغییرات بنیادی را مسدود میسازند.

آنها با بکار گرفتن تمام اهرمهای قدرتی که بکمک "دوستان نادان" و عناصر حفظ شده ساواک در مراکز دولتی و نهاد های انقلابی، به کمک عناصر نفوذی "حجثیه" که در این مدت سازمان خود را تکمیل و تربیم هم کرده است، تمام راه های مقصود و اجرای قوانین انقلابی و بنیادی را می بندند و از این طریق هم ضد انقلابیون و راستگرایان امید خلق را به تغییرات بنیادی قطع میکنند.

حاصل این سیاست و نتایج ملموس و واقعی و عملی آن برای خلق اینست که گویا "انقلاب واقعا هم قادر نیست دردی از دردهای خلق را درمان کند و باری از دوش آن بردارد. حتی برعکس؛ انقلاب برای خلق درد گرانی روز افزون، بسی خانمانی زیادتیر و کمبود های بیشتری را نیز به ارمغان آورده است. در نتیجه راستگرایان اثبات می کنند که انقلاب از کارگران پیوسته فدکاری و ایثار در جبهه و پشت جبهه طلبیده، ولی در عوض نه فقط حقی به آنان نداده، بلکه حقوقی را هم که طبقه کارگر در نیروچند دهساله خود از سرمایه دارها ستانده بود، همانند حق بیمه و حد اقل دستمزد و غیره به نام موازین شرعی از آنان باز پس گرفته است؛ "اثبات" میکنند که انقلاب نه فقط به روستائی زحمتکش زمین نداده بلکه فرزندی را هم برای دفاع از میهن از او گرفته است. ی از اینروست که زنان محروم روستائی با تن خود جلو اتومبیل کسانی را که برای باز پس گرفتن زمینهای تقسیم شده از دهقانان و دادن آن به بسز رنگ زمینداران به ده فرستاده شد مانند سد میکنند و فریاد میزنند "فرزندان ما را که در جبهه بسرای دفاع از میهن شهید شده اند به ما پس بد هید تا ما زمینها را پس بد هیم".

نا راضی تراضی مرحله اول این سیاست جنا سیتکارانه بود که در حین اجرای آن به کمک این سیاست راستگرایان و ضد انقلاب مواضع خود را در حاکمیت تحکیم کردند. اکنون آنها سیاست جدیدی را آغاز کرده اند که آنرا به طور کلاسیک در تمام کشورهایی نیز که انقلاب در آنجا بشکست کشانده شده، بکار برده اند.

کساندن توده انقلابی به اوست

این سیاست عبارتست از باز کردن در انبارها و پر کردن مغازه های خالی کرده از اجناس اجناس احتکار شده را به بازار می آورند و با ارز دولتی که به قیمت فروش نفت به کشورهای امپریالیستی به دست میاید به وارد کردن بنجل های ایسن کشورها به بازارهای داخلی دست میزنند.

یک بهبود کاذب "آریامهری" ایجاد میکنند و استدلال می نمایند که "مقدار کالا که بالا رفت و قیمت آن پائین خواهد آمد" از این طریق باز هم این دلالان امپریالیسم به تبلیغ سیاست جنایتکارانه

امپریالیسم و "اثبات" اینکه "دولت تاجر خوئی نیست" می پردازند.

اگر تاکنون به کمک احتکار و گرانفروشی خود به "اثبات" عدم توانائی انقلاب برای تامین نیازهای جامعه دست میزدند، اکنون با "وفور" کاذب و پر کردن مغازه ها با بنجلهای کشورهای امپریالیستی "عدم لیاقت" انقلاب برای بهبود زندگی مردم را هم "اثبات" میکنند و چنین جلوه میدهند که گویا فقط راستگرایان قادرند بهبودی در زندگی مردم ایجاد کنند و کالاهای مورد نیاز آنها را با "آزاد کردن تجارت و معامله" تامین کنند!

دقیقا چنین سیاست جنایتکارانه ای راستگرایان ملعون نیز پس از بریدن از منافع خلقهای عرب و پاره کردن قرار داد دوستی بین مصر و اتحاد شوروی و اخراج کارشناسان شوروی اعمال کرد. از فردای روزی که سادات کارشناسان شوروی را با یک مهلت ۱۲ ساعته از صر اخراج کرد روزنامه های غربی نوشتند که مغازه های خالی مصریهر از کالا شده است، "آزادی تجارت" برقرار شده و "مصر نجات یافته است".

اما اکنون که در مصر ارتجاع حاکم گشته است اکنون که خائنین به خلق توانسته اند به خیال خود خلق مصر را موقتا هم شده ساکت کنند و آنها را از کوشش برای تداوم انقلاب باز دارند و به راست بکشانند! تمام مشکلات اقتصادی خلق بارها بیشتر و شدید تر باز گشته است و بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند و غارت سرمایه داران صد چندان شده است.

در میهن ما هم اگر راستگرایان و ضد انقلاب قادر شوند این سیاست را اعمال کنند، فقط و فقط به منظور منصرف کردن خلق از پیگیری برای تحقق اهداف انقلاب است. فقط برای تحکیم و به راست کشاندن خلق استقا در مقابل تاراج و به باد دادن دستاوردهای انقلاب بی تفاوت نظاره کنند!

کل انقلاب در خطر است

مسئله ای که در جامعه ما وجود دارد، مسئله ای که انقلاب ما با آن روبرو شده است و حل انقلاب آنرا میطلبد، فقط مسئله گرانی نیست، که بساحل آن و رفع آن، انقلاب نجات یابد!

توریدی نیست که راستگرایان و ضد انقلاب خارجی و داخلی آماده اند برای مدتی هم که شده محاصره اقتصادی را قطع کنند، همه جور و همه رنگ کالا با "قیمت مناسب" در اختیار ما قرار دهند و بازار و مغازه های ما را پر کنند! اما فراموش نکنیم که آنها اینکار را نه برای نجات انقلاب بلکه برای تحکیم بیشتر مواضع خود انجام خواهند داد و آنها آن را درست برای این منظور و با این هدف انجام میدهند که انقلاب را بسطه شکست بکشانند. آنها این "بزرگوار" را میخی میدانند که میخواهند بر تابوتی که برای انقلاب تدارک دید ماند بکوبند.

به مرگ گرفته اند نامردم به تب راضی شوند

مبارزه با گرانفروشی و مبارزه با احتکار از مبارزه برای اجرای انقلابی اصلاحات انقلابی و بنیادی جدا نیست!

مبارزه با گرانفروشی و احتکار بدون تقسیم اراضی به صورت انقلابی بدون قانون کار انقلابی بدون بازرگانی خارجی دولتی و کنترل توضیح داخلی و تثبیت قیمتها سیاست انقلابی نیست.

بر عکس تنها مبارزه پیروزمند با گرانفروشی همدون تحقق اصلاحات بنیادی و بدون حفظ دستاوردها انقلاب و بدون اجرای روح مردمی قانون اساسی اعمال نص صریح آن، همان سیاستی است که راستگرایان و ضد انقلاب خواهان آنند. آنها می خواهند انقلاب را "ذبح شرعی" کنند و برای آن آماده هستند که قیمت موقتی هم بپردازند! آنها خصوصا به این "مرگ" گرفتارند تا خلق به "تب" راضی شود.

نباید به این چاله دشمن کنده افتاد! نباید گذاشت راستگرایان و ضد انقلاب به دست نیروهای نامردمی خلق را به "تب" قانع سازند و او را به راست بکشانند! تجربه دو سال اخیر نشان داده است که راستگرایان و ضد انقلاب موفق شده اند، با استفاده از نقاط ضعف رهبری "زمان" را به نفع خود به کار گیرند و مواضع خود را مستحکم سازند هیچ دلیل و علامتی وجود ندارد که اگر بنسب انقلابی به دست آنان زده نشود، این روند پایدار یابد.

آنها میخواهند بدست رهبران نا آگاهانقلاب به دست سلطهبران مبارز و در زمان حاکمیت خود آنها تمام دستاوردهای انقلاب را باز پس بگیرند، انقلاب را به شکست بکشانند، اعتبار و حیثیت نمایندگان آنرا بر باد دهند و جان خلق را به لب برسانند و از انقلاب "سه سه بار به نه بار" پشیمان سازند.

هشدار که در مقابل خلق و تاریخ مسئولید!

به این راه مروید! تاریخ شما را نخواهد بخشید!

شهر ذفول و پل دختر بار دیگر

بقیه از صفحه ۱
که چون صدام منابع مالی ندارد، به تحلیلی می برد.

هر موشکی که رژیم صدام بسوی شهرهای ما نشانه می رود و هر بمبی که بر سر مردم بیگناه ما می ریزد، بدستور آمریکا، با کمک آمریکا و برای تامین منافع آمریکا و عوامل داخلی اش، و در رأس همه، بزرگ زمینداران و کلان سرمایه داران، ترور یستهای اقتصادی، بازاری های بزرگ و حامیان درو و مقدس آبشان است. این "خنجرچی" که آمریکا در پهنوی انقلاب فرو برده، هر روز پیکر انقلاب را بی رقی تر، و سرمایه داران چپاولگر را چاق تر و فریبه تر می کند.

"راه توده" شهادت جمعی از مردم بیگناه را بمردم ذفول و پل دختر و سایر هموطنان عزیز تسلیم می گوید و خشم مقدسشان علیه آمریکای جنایتکار را گرامی می دارد.

يك خبر سخت نگران کننده

زن و بچه و حتی همسایگان مسئولین حزبسی و عد های رهگذر را هم با خود بردند و سپس از بازجویی های طولانی عده محدودی را آزاد کردند ولی اکثریت آنها را در بازداشت نگاه داشتند.

این واقعیت که از یکسو بیش از ۵۰ نفر را در هجوم ۱۷ بهمن بازداشت کرد مانند و تعدادش از حدود ۳۰ نفر گفته اند و از سوی دیگر از اعلام اسامی آنان به دلایلی "امنیتی" خودداری می کنند و حتی برای دستگیر کردن مجدد زندانیان خویش به خانه های مختلف مراجعه می نمایند.

می تواند موجب نگرانی بسیار عمیق گردد. آنچه که تا بحال پیرامون "موازین اسلامی" در برخورد با زندانیان گفته شده و مطالبی که در پیام هشت ماهه ای امام آمده با شیوه کار دستگا ههای امنیتی رژیم که معلوم نیست کسی حاکم بر آنهاست تعارض آشکار دارد. این شیوه کار البته نا آشنا نیست. ساواک شاه هم بنا بر آموزشی که از سی-آی-ای و موساد گرفته بنسود اسامی قربانیان خود را اعلام نمی کرد و چه بسا چند روز پس از دستگیری سندی هم در شماره آزادی آنان با مضای خودشان تهیه می کرد تا سپس دستش برای شکنجه کردن آزادانه دستگیر شدگان، تا حد مرگ باز باشد.

این ۵۰ بازداشتی اخیر به نزدیک به ۳۰۰ نفر دیگری که ماههاست به گناه هواداری از حزب تسوده ایران در زندانها بسر میبرند اضافه میشود. بسیاری از هواداران حزب تسوده ایران در زندانهای بی نام و نشان نگاهداری میشوند، از حق ملاقات محرومند و برخی از آنها طی نزدیک به دو سال است که در زندان بسر بردند و حتی یکبار ملاقات نداشته اند و محلی زندان آنها نامعلوم است و خبرهای گسیخته غیر مستقیمی که میرسد حاکی از آنست که بقا نسان هوا خوری عادی نیز داده نمیشود.

مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران بارها گفته اند که "موازین اسلامی" با اینگونه طرز رفتار با زندانیان منافات دارد. اما در عمل مشاهده میشود که عده های بنام "اسلام همان روش های ساواک، سی-آی-ای و موساد را دارند پیاده می کنند و صدای هیچکس هم در نمی آید که بکارگرفتن این شیوه ها با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آنچه که شب و روز درباره رفتار اسلامی گفته میشود مغایر است.

ما به اینگونه برخورد های غیر انسانی بویژه با ایرانیان دگراندیش ولی مدافع شعارهایی اولیه انقلاب: استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی بشدت اعتراض می کنیم.

ما خواهان اعلام هرچه زودتر اسامی بازداشت شدگان توده های هستیم تا سپس زندانیان در برابر هرگونه ناپدید شدن مشکوک زندانیان پاسخگو باشند و نتوانند مدعی شوند که از دستگیر شدنشان اطلاعی ندارند.

ما اطلاع دهید کجا و در چه وضعی هستند و سرنوشتشان چیست دوباره برای دستگیری کرد نشان آمده اید، ما موران امنیتی از دستگیری آنان اظهار بی اطلاعی می کنند!

علیات وسیع پلیس برای دستگیری رهبران حزب تسوده ایران از حدود ساعت سه بامداد یکشنبه ۱۷ بهمن آغاز شد، تا ظهر یکشنبه بیش از ۷۰ نفر را بازداشت کردند. آنان

اطلاع یافته ایم که ما موران امنیتی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، نزدیک به سه ماه پس از دستگیری رقبای رهبری حزب تسوده ایران، از نو به خانه های اقوام آنان مراجعه میکنند و سراغشان را میگردند، و هنگامیکه با این اعتراض روبرو میشوند که شما آنانرا روز یکشنبه ۱۰۷ بهمن بازداشت کرد ما یید و اکنون بجای اینکه به

برسگوی اول ماه مه

می آید!

از فراز خیزابه های خون

سبی تشویش بادو مباد جان-

از درون گردباد جنگ و جنون.

می آید!

پیمان کرده

پیوند زده

پیکار کرده و پیروزی آورده

که خود

پیک و پیامید

شایسته نامید!

می گذرید

بر فرشی از لاله

از دل دالان آفرین و هلهله

بر می آید و

می ایستید

برسگوی افتخار اول ماه مه

تا شاهان

از پیشگاهتان

بگذرند و سرمایه داران.

ای خداوارگان

ای کارگران که دست شما راست

تر دستی آفریندگی:

تراش آهن و سنگ

ساز سقف و ستون

بُرش به هنگام براندام زندگی

و زهائیدن حیات از برهنگی!

نیاتان نعلیند بود

شما چلنگر.

فرزندانتان موشک خواهند ساخت

آی چه والا که شما یید!

اسی رهوار کردن

قلی گشودن

و آسمان را پو ییدن.

این بس

که بازوان بگشاید و

جغرافیای جهان

در آغوشتان باشد!

می شناختم

شمایان را به بوی شما یان

و نه بوی شبنم عرق

که بر مفرغ اندامتان می نشست

نه به بوی روغن چرخ و دستگاه

و نه حتی به بوی نفت

که پیشاپیش شما می دو ید

می شناختم

به عطر کار

که از هزار ابزار می تراود.

و اینک می بینمتان

نه در سایه پرچم های سرختان

نه در صف بی پایانتان

که، در گریز دشمن و هراس آن چشمان

که ارزیابی تان می کنند

با دقت دلانگان

و می اندیشم که چه خواهد شد اگر

متحد شوید!

اگر متحد شوید

کارگران ایران!

سیاوش کسرائی

اردیبهشت ۱۳۵۸

تصویب‌نامه‌های دوتروویست اقتصادی میلیاردی ضربه‌ای بزرگ براعتبار مجلس شورای اسلامی

در روزهای چهارشنبه ۲۴ و پنجشنبه ۲۵ فروردین میلیون‌ها ایرانی بهت زده و متعجب در تلویزیون دیدند، در رادیو شنیدند و در روزنامه‌ها خواندند که مجلس شورای اسلامی، که به قول امام باید سنگر دفاع از منافع زحمتکشان باشد، چگونه اعتبارنامه افرادی را تصویب کرد که بگواهی اسناد و مدارک، بدون هیچ شک و شبهه از عاملان اصلی تروریسم اقتصادی و از گردانندگان بازار بودند، بازاری که در طول چهار سال اخیر خون مردم را در شیشه کرده است.

آقایان سید تقی خاموشی و علی اکبر پور-استاد، که هر دو از طرف حزب جمهوری اسلامی نامزد انتخابات میاندوهره‌ای مجلس از تهران بودند، هر دو از گردانندگان اصلی "کمیته صنفی" و همه کاره نظام توزیع کالای کشورند. آقای خاموشی که بگفته "آقای فواد کریمی"، با ظاهر مذهبی "کسب وجهه کرده است، انحصار توزیع کالاهای مهم و پرسودی نظیر آهن، شیشه لوازم خانگی

لوازم اتومبیل را در مقام ریاست کمیته صنفی به یک گروه از تجار وابسته بخود داده است. عوامل و ایادی وی در همه جا به احتکار و گرانفروشی مشهورند و فی‌المثل یکی از منسوپین او تنها برای یک فخره گرانفروشی ۱/۷ میلیون تومان جریمه شده است. آقای خاموشی بگواهی اسناد و مدارک، پیل هزاران تن آهن تولید شده و وارداتی کشور را بچیب تشکیل دهندگان "تعاونی اسلامی آهن" که همان تاجر بزرگند ریخته است. آقای خاموشی در مورد تمامی کالاهای مهم "حق امضا" داشته و از این "حق" بنام و کمال برای اعمال نفوذ و قدرت استفاده کرده است. وی علیرغم ظاهر اسلام پناها، همانگونه که آقای فواد کریمی با اسناد و مدارک نشان داد، اجازه فروش مشروبات الکلی را هم برای هتل های معینی صادر کرده است. آقای خاموشی از این نیز فراتر رفته و گفته آقای فواد کریمی "به تهدید و ارباب مردم و توقیف و فروش اموال آنان و بازداشت های غیرقانونی" دست زده است.

"کمیته صنفی" آقای خاموشی "دولت مستقلی" بوده و هرچه می‌خواسته می‌کرده است. آقای فواد کریمی در بخشی از سخنان خسود می‌گوید: به حکم دادستان (هما بیونشهر) شخصی بنام محمد علی فیض در رابطه با تقلب در سند سازی فروش ماشین و ایجاد بازار سیاه وسایل نقلیه دستگیر شده به دادسرای صنفی تحویل داده می‌شود.

"پس از دستگیری فرد نامبرده کوشش‌ها و تلاشهای فراوانی از طرف آقای خاموشی و ایادی ایشان برای آزادی فرد نامبرده انجام می‌گردد. اما دادسرا و دادگاه ماجرا را دنبال می‌کنند. بالاخره حدود ساعت چهار و نیم اواخر شهریور ماه ۵۹ برخی از اعضای کمیته صنفی بهمسراه عدلای از پاسداران کمیته بازار دادگاه رامحا-

صره کرده و بداجل دادسرا و دادگاه حمله کرده و مامورین و حافظین دادگاه را خلسح سلاح کرده و بازیرسها و حاکم شرع و همس را بیرون ریختند.

فرد نامبرده را نیز از بازداشتگاه به اسم اینکه ایشان حالشان خوب نیست باید به بیمارستان منتقل شوند وی را برداشته و بالاخره متواری می‌نمایند.

بالاخره ایادی آقای خاموشی در دادگاه را بستند و پشت در دادگاه نوشتند "دادگاه صنفی تا اطلاع ثانوی تعطیل" و با یکدیگر می‌گفتند ما آخوند ها را از این دادگاه بیرون انداختیم.

براستی با مشاهده اسناد و مدارکی که آقایان فواد کریمی و سید کاظم اکرمی در مجلس پیرامون تخلفات خاموشی و پوراستاد ارائه دادند موبر تن هر بیننده و شنونده و خواننده راست می‌شود. این چه سری است که آقای خاموشی می‌تواند با استفاده از کمیته بسازار مسلحانه علیه دادگاه امور صنفی دخالت کند، رئیس و کارکنان آنرا وادار به استعفا نماید و دادگاه را به تعطیل سه ماهه بکشد؟ این چه نظام قضایی است که آقای پوراستاد را که بر اثر ۱۹۳ مورد تخلف خود به ۶۱ روز زندان محکوم شده است هنوز بزندان ترفقه عفو می‌کند؟! و این چه مجلسی است که آقای پوراستاد علیرغم داشتن سابقه کیفری، بدان راه می‌یابد؟! براستی این هشدار آقای فواد کریمی بجا نیست که می‌گوید:

"اکنون با وجود این تخلفات اگر اعتبار نامه آقای خاموشی بدلیل سردت در گرانفروشی، احتکار، انحصار و غیره بوسیله مجلس رد نگردد، دیگر چه کسی می‌تواند در این کشور با گرانفروشی و احتکار و تروریسم اقتصادی مبارزه کند. از آغاز انقلاب تا کنون کانال توزیع کالا و سرخ بازار در دست آقایان بوده است و هیچکس بدون اجازه آقایان نمی‌توانسته است در توزیع دخالت کند و سهمیه دریافت کند. اکنون که بر اساس عملکرد نادرست ایشان امام و امت به فریاد آمده‌اند و همه بدنبال ریشه‌های این تباهی ها می‌باشند چگونه نمایندگان محتسرم اجازه میدهند این ریشه در مجلس شورای اسلامی کاشته شود و در این صورت مجلس جواب تضلمات این ملت ایثارگر را چه خواهد داد. وجود اینگونه عوامل در مجلس شورای اسلامی جز تقویت و حملیت از انحصارات تجاری و گسرا-نفروشان و احتکار چیان و باندی که امروز حاکم بر سیستم توزیع کشور است چه خواهند کرد."

"افکار عمومی ملت و خانواده‌هایی که خون عزیزانشان را نثار برپایی این مجلس و جمهوری اسلامی نمود‌اند و افکار عمومی جهان، کسانی‌را که محرک اینچنین نادرستی‌هایی شده‌اند نمی‌پزد. برند. مجلس قبلا در مورد پذیرش لیبزالها دچار اشتباه شده بود و تا این لحظه نمایندگان

محترم هر جا که به میان مردم رفته‌اند در رابطه با حضور این چنین افرادی در مجلس مورد ستوخ ال و سرزنش قرار میگیرند و جواب صحیحی ندارند که چرا مجلس شورای اسلامی با اعتبارنامه اینگونه افراد موافقت نموده است و چرا اینگونه افراد در مجلس حضور دارند..."

آری، رای مثبت به اعتبارنامه خاموشی‌ها؛ بقول آقای فواد کریمی "ابراز رضایت از این اعمال و شرکت در جزایی است که ایشان مرتکب شده‌اند. جزایی از قبیل تهدید، ارباب، بازداشت های غیر قانونی و..."

بیبوده نیست که آقای هاشمی رفسنجانی که متاسفانه حیثیت خود را در گرو دفاع از خاموشی گذاشت، صریحا اشاره کرد:

"(آقای فواد کریمی) خودشان را خطر می‌اندازند برای اینکه افکار و نظراتشان را هم بگویند."

بنظر می‌رسد که این دیگر در جمهوری اسلامی ایران "مد" شده است که هر کس صدایش را در دفاع از حقوق زحمتکشان بلند کند، بزندان و "تعزیر" تهدیدش کنند، در جانی آقای معتد رضایی مخالفین قانون کبلر خود را به فرستادن به "اوین" تهدید می‌کند، در جای دیگر امثال خاموشی ها بخود جرات میدهند آقای فواد کریمی را به چنسان "هجازات"ی تهدید کنند که "برای سایرین عبرت شود". آنهم در صحن مجلس و از تریبون مجلس!

تصویب اعتبارنامه‌های خاموشی و پوراستاد، آنهم با اکثریت ۱۰۷ و ۱۱۹ رای موافق، اگر بگفته "آقای فواد کریمی" فاجعه‌ای برای جمهوری اسلامی نباشد "بطور قطع لطمه‌ای جدی به اعتبار مجلس شورای اسلامی است. باید همصدا با آقای فواد کریمی از نمایندگان مجلس پرسید که چگونه "اجازه می‌دهند این ریشه در مجلس شورای اسلامی کاشته شود؟" با راه یافتن نظایر پوراستاد و خاموشی به مجلس، پای کسانی به مجلس باز می‌شود که "رای های آنچنانی" علیه منافع کارگران و زحمتکشان و بسود ادامه غارتگری سرمایه‌داران و ملاکین بزرگ خواهند داد.

مردم ایران می‌پرسند که "چه کسی بنام دین از میلیاردرها دفاع می‌کند؟" مردم ایران می‌پرسند که این چه دستگاه قضایی است که بسادگی حکم عفو تروریستهای اقتصادی را صادر می‌کنند، و در عین حال از موضوعی سیاسی مانند دستگیری رهبران حزب توده، ایران، ماجرای "قضایی" می‌سازد و عملاد رتد ارك مقد مات سرکوب حزب توده، ایسرن فعالان شرکت می‌کند؟ آیا براستی سیاست دفاع از مستضعفان در دستگاههای حکومتی تعیین کننده است؟

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۱۰

کند و سه بار به نهار غلط کنند و دیگر اسم انقلاب و تحول را هم نیاورند. مفهوم برنامه‌های رادیوهای ضدانقلابی و فعالیت‌های باندهای سلطنتی در خارج از کشور چیزی جز این نیست. در خود ایران هم جناح راست حاکمیت، راه چاره را بازگشت به زمان شاه می‌داند. وقتی از وزیر بازرگانی درباره گران‌ی و نا-سامانی توزیع انتقاد می‌کنند، می‌گویند:

"تجارت و توزیع به حالت عادی بر خواهد گشت. نظام سنتی توزیع قانونی خواهد شد. . . . کشنی هادرینا در صفت‌ستاند (اطلاعات ۱۸ فروردین ۶۲)

وقتی امام فرمان می‌دهد که قوانین دادگستری را اسلامی کنید، شورای نگهبان پس از بررسی به این نتیجه می‌رسد که تمام قوانین زمان شاه اسلامی بود و قابل اجراء است الا این که در آن زمان زبان را سنگسار نمی‌کردند، مالک هم نمی‌توانست به اجرتی حکم تخلیه بگیرد. این دو نقص در جمهوری اسلامی برطرف شد (اطلاعات دوشنبه ۸ فروردین) گفته می‌شود که در نظام مالکیت فئودال - سرمایه-داری زمان شاه، چیزی خلاف شرع وجود ندارد. خلاف شرع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که خواستار تعدیل این نظام غیر انسانی و غاصبانه است و برای این که چرخ اقتصاد مملکت به حرکت درآید باید به غارتگری که از همه مردم سلب مالکیت کرده‌اند تا خودشان مالک شوند، تضمین داد و طبیعی است که پس دادن زمین‌ها و کارخانه‌ها تضمین کافی نیست. باید زمام حکومت را هم به آن‌ها داد تا مطمئن و دلگرم شوند.

چنین است پیشنهاد نمایندگان ملاکین و سرمایه‌داران بزرگو و استنگان به آمریکا و عملکرد نمایندگان آن‌ها در حاکمیت. طبیعی است که توده مردم زحمتکشی که در راه برانداختن نظام شاهنشاهی آن‌ها جانباری کرده و اینک برای پیشبرد انقلاب این همه ایثار می‌کنند، با رکود و بازگشت موافق نیستند و می‌دانند که اگر زمان شاه برگردد، اوضاع "عادی" نخواهد شد. آن درندگان تیرخورده اگر برگردند چنان بلایی به سر مردم خواهند آورد که روی چنگیز و محمدرضا را سقید کنند.

راه حل دشواری‌ها عقب‌گرد نیست. پیشرفت است. انقلاب را باید از رکود بیرون آورد، نظام باقی مانده از دوران شاه را در تمام عرصه‌ها باید درهم شکست و نظامی انقلابی پدید آورد. به نظر ما برای تجهیز همه نیروهای مردمی و ضدامپریالیستی و برای دفاع موفقیت‌آمیز از انقلاب باید اصول زیر را پایه کار مشترک قرار داد:

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجرا شود.
- ۲- با شاننازهای ضدانقلابی با صراحت مقابله شود.
- ۳- سازمان‌ها و نهاد های توده‌ای و مردمی تقویت شود.
- ۴- همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی تأمین شود.
- ۵- کوشش شود که جنگ تجاوزکارانه صدام علیه ایران، به سود پیروزی انقلاب پایان پذیرد.
- ۶- توده مردم با این اصول روشن در صحنه باشند. درباره هر یک از اصول بالا توضیح کوتاهی می‌دهیم:

۱- اجرای قانون اساسی

چنان که گفتیم بزرگ‌ترین خطری که امروز وجود دارد اینست که راست‌گرایان مدافع سرمایه و مالکین و عوامل پنهان امپریالیسم در حاکمیت، قانون اساسی را غیرشرعی اعلام کرده و به جای آن اصول دیگری را بنای کار قرار داده‌اند که در هیچ مرجع قانونی تصویب نشده و هرکس به میل خود تعبیر و تفسیری از آن‌ها دارد.

دشمنان قانون اساسی ظاهراً خود را در سنگر شرع و اسلام قرار داده‌اند، در حالی که مخالفت با قانون اساسی اولاً حرم است و ثانیاً بقیه در صفحه ۱۰

"آن وقت که قانون اساسی نوشته شد تجارت خارجی چیز مشخصی بود که باید ملی یا دولتی شود. . . اما امروز چیز مبهمی است. و این ابهام ادبیت کننده است! این طور نیست که دولت بنشیند و تصمیم بگیرد و مسئله حل شود. نه! چنین چیزی نیست. مسئله گسترده‌تر است."

نظیر این جملات را از بسیاری از مسئولین می‌توان شنید و می‌توان به چشم دید که قانون اساسی مشخص و روشن است، اما امروز ابهام پیدا شده و قدرت تصمیم‌گیری از ارکان‌های جمهوری اسلامی ایران سلب شده است.

طبعی است که فقط در مورد بازرگانی خارجی نیست که قانون اساسی روشن است ولی در عمل ابهام وجود دارد، کل نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری زیر علامت سؤال رفته و بر سر انتخاب راه آینده، بر سر اجرا یا عدم اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نبرد سخت طبقاتی در گرفته است. ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ، عمال امپریالیسم، سازمان‌های پنهان خرابکاری چون جنتیه و فراماسونری پوشیکه، سیا و متحدینش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را معطل گذاشته و به این ترتیب قانونیت جمهوری را مورد تردید قرار داده‌اند: اگر قانون اساسی مشروع نیست حکومتی را که بر اساس این قانون بر سر کار است چگونه می‌توان مشروع دانست؟

حتی در زمان دولت موقت و بنی‌صدر خطر به این شدت نبود. آن‌ها جرأت نمی‌کردند به طر، علنی و آشکار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را غیرقانونی و غیرقابل اجرا اعلام کنند و نمی‌توانستند این چنین آشکارا با هر تغییر و تحول انقلابی مخالفت کرده و با برروبی باور نگردنی از نظام اقتصادی - اجتماعی مانده از دوران شاه دفاع کنند.

خطر بسیار بسیار جدی است و در عین حال بسیار خوب استوار شده است. در زمان دولت موقت و بنی‌صدر توطئه آمریکا بالنسبه علنی بود. کودتاها و ترورها و تحریکاتی هم که امپریالیسم در این چهار ساله نتدارک دید علنی شد. اما درست از زمانی که توطئه‌های علنی آمریکا شکست خورده و عمال شناخته شده‌اش از حکومت رانده شده‌اند، درست از زمانی که حکومت در دست کسانی قرار گرفته که به مسلمانی معروفند و هیچ مقام رسمی آن‌ها را عامل دشمن معرفی نمی‌کند - درست از این زمان هجوم آشکار به انقلاب و قانون اساسی آغاز شده است.

امروز توطئه رنگ غلبت مذهبی و فقهی دارد. در درون نهاد های دولتی حا خوش کرده، در تعبیر خاص خود از شریعت اسلام چنان اسلحه‌های به دست آورده است که حتی پیروان سرشناس خط امام هم در برابر آن مزعوب شده‌اند. توطئه‌گران از شعارهای دوهلوی خط امامی‌ها که به نعل و به میخ می‌زدند، چماقی ساخته و بر سر انقلاب می‌کوبند. پس از قریب چهار سال که از تصویب قانون اساسی گذشته تازه می‌گویند بیایید ببینیم کجای نظام اقتصادی پهلوها و وقاجارها خلاف فقه بود که قصد تغییر آن را دارید؟

خطر در این جاست! خطر از اینست که با این وضع جمهوری اسلامی ایران یا در هواست. معلوم نیست بر کدام اصول استوار است و به کدام بخش اجتماع خدمت می‌کند: به ملاکین و سرمایه‌داران بزرگ - مانند حکومت شاه فهد و ضیاء الحق و همه حکومت‌های ۱۴۰ ساله پس از پیامبر اسلام و علی بن ابیطالب - و یا به توده مردم که انقلاب کرده‌اند. و آیا اصولاً خود انقلاب اجتماعی امری شرعی است و یا خلاف شرع؟

چه باید کرد؟

این پرسش هم اکنون در خانه و کاشانه هر ایرانی مطرح است. عوامل ضدانقلاب و مخالفان راست‌گرای جاده صاف کن، راه چاره را در بازگشت به گذشته می‌دانند. و از مردم می‌خواهند که از انقلاب توبه

امام خمینی: مردمی که در قانون اساسی رای داده‌اند ملتزم اند که قانون اساسی اجرا شود

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۹

عین دشمنی با فقه و شرع و اسلام است، زیرا این قانون را فقها و خیرگان تهیه کرده اند و مردم و امام آن را تایید نموده اند و خود کسانی هم که امروز آن را خلافت شرع می دانند دیروز منافقانه به آن رای داده بودند.

قانون اساسی بزرگترین دست آورد انقلاب ما و در عین حال بزرگترین دست آورد فقه است. هر کسی پوشیده نیست که طی ۱۴۰۰ سال پس از پیامبر اسلام و علی ابن ابیطالب، عده ای روحانی نمای خادم شاهان و ملاکین بزرگ اصول فقهی را در خدمت برده داری و فتوایسیم گذاشتند. فقیه نمایانی پیدا شدند که باسای چنگیزی را با اصول فقه تطبیق دادند و برای برده کردن اسیران و سلب مالکیت از توده دهقان و ثبوت املاک به نام شاهان و فتوادلها قبالبه نوشتند. نظام فتوودالی قاجار و نظام وابسته شاهنشاهی پهلوی را تایید کردند و هم امروز نیز فقهای فراوانی هستند که نظام فهد و حسین اردنی و را کاملاً شرعی و فقهی می دانند و تایید می کنند. در عوض فقهای هم هستند که طی قرن ها کوشیده اند تا جانب مردمی فقه را گسترش دهند.

مجلس خیرگان بررسی کننده قانون اساسی بالاترین مرجع فقهای اسلامی ایران بود و قانون اساسی سندی است که هم خواست های انقلابی مردم را منعکس می کند و هم نظر مشترک فقها و علمای اعلام را درباره اصول فقهی بیان می کند. نفی این سند، نفی توافق نظر، نفی عقیده مردم و امام است.

ما معتقدیم که امروز قانون اساسی مرز انقلاب و ضدانقلاب است و هر کس قانون اساسی را نفی کند ضدانقلابی خلافتکاری است که علیه جمهوری اسلامی برخاسته است.

مردم باید این محکرا به دست گیرند و هر مدعی را با آن بسنجند. مردم باید از مقامات جمهوری و از روحانیون و از جمله ائمه جمعه بخواهند که در نماز جمعه اصول قانون اساسی و به ویژه اصول مربوط به نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری را تشریح کنند.

مردم باید طلب کنند که نظام اقتصادی - اجتماعی غارتگرانه و ضد مردمی که از شاه به ارث رسیده موافق قانون اساسی متحول شود. بدون تحول اجتماعی - اقتصادی انقلاب وجود نخواهد داشت.

۲ - مقابله با شانتاز های ضد انقلابی

یکی از مهم ترین عواملی که جلوی پیشرفت انقلاب را می گیرد ارتش ننگینی است که از رژیم شاه مانده و متأسفانه جمهوری اسلامی ایران هم آن را پذیرفته است. رضاشاه و محمدرضا شاه - با هادایت جاسوسان انگلیس و آمریکا و خدمه انحصارات نفتی - داشتن عقاید انقلابی را جرم نامیدند حزب توده ایران را غیر قانونی کردند و هر کس خواستار تغییر و تحولی شد و یا حقی را مطالبه کرد، او را به نام توده های مجرم شناخته، به زندان کشیدند.

امروز همین ارتش ننگین به عنوان یک ارزش والای اسلامی و حتی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران حفظ می شود و طبیعی است که فقط ضدانقلاب از آن بهره می برد و نه انقلاب. شعار "نه شرقی، نه غربی" که به معنای تأمین استقلال ملی ممکن بود مفهومی پیدا کند، در پیوند با آن ارتش ننگین به عامل سکون، به چماق ضدانقلاب برای جلو گیری از تحول انقلابی و وسیله ای برای حفظ پایه های نظام شاهنشاهی بدل شده است. هر تعبیری که در نظام شاهنشاهی بدهند "شرقی و مدموم است، پس آن چه بوده - که لاید غربی هم نبوده (۱) - باید حفظ شود. هر انسان زحمتکشی که اضافه دستمزد بخواهد و یا برای تخلیه محل مورد اجاره مهلتی تقاضا کند توده های استو جایش در زندان های بی نام و نشان.

روشن است که تا وقتی این شانتاز باقی باشد راهی برای پیشرفت انقلاب نیست. چرا که حتی خود قانون اساسی هم به اتهام "شرقی" و "توده ای" بودن توقیف شده است.

چه باید کرد؟ عده ای گمان می کنند که راه چاره عبارت از اینست که در استفاده از ارشبه ننگین شاه، جلوتر از خود شاه بروند و به

همه نشان دهند که آن ها در دشمنی با "شرق" و حزب توده ایران، حتی از شاه هم جبارترند. غافل از این که این روش نه تنها ضد - انسانی و ضد اخلاقی است، بلکه مطلقاً ضد انقلابی است. زیرا در عمل به دست کشیدن از همه اصول انقلابی، پس گرفتن هر تغییر و تحول در نظام شاهنشاهی منجر می شود - همان طور که هم اکنون منجر شده است.

تصادفی نیست که اوج حمله به دست آورده های انقلاب و پایمال کردن بی پروای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که خود روشن ترین جلوه هجوم به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما و آماج های اساسی آنست با بازداشت گروهی از رهبران حزب توده ایران و بسیاری از مسئولان و کادرهای آن همراه است. توطئه علیه حزب توده ایران در واقع توطئه علیه آن اصولی است که حزب در راستای شکوفایی انقلاب برای استقلال ملی و انجام تحولات بنیادین به نفع توده های ده ها میلیونی کارگران و زحمتکشان و مجرومان جامعه و به اتکا به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بی گیرانه در راه آن ها می رزمند.

یک واقعیت تاریخی وجود دارد و آن این که همه شعارهای مترقی و انقلابی در جامعه ما نخستین بار توسط حزب توده ایران مطرح شده است. از اصلاحات ارضی و قانون کار و بیمه، تا ملی شدن بازرگانی خارجی و تأمین مسکن و بهداشت و صنعتی کردن کشور و ریشه کن کردن بی سوادی. شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر شاه" هم شعار ماست که ده ها سال قبل از قیام بهمن داده و بسیاری جان های شریف بر سر آن نهاده ایم. خود دعوت به انقلاب اجتماعی هم شعاری است که حزب ما مطرح ساخته است. و به خاطر همین شعارها و این هدف های شریف بود که آن همه مورد کینه شاه و آمریکا بودیم و هستیم.

واقعیت دیگر تاریخی اینست که بسیاری از کشورهای جهان قبل از ما انقلاب کرده و بسیاری از شعارهایی را که انقلاب ما دارد در عمل پیاده کرده اند و ما بعد از آن ها آمده ایم و حالا هر شعار انقلابی را پیاده کنیم طبعاً شبیه آن در کشور دیگری بوده و قبل از ما اجرا شده است.

این واقعیت ها را نمی توان تغییر داد. نه تاریخ حزب توده ایران را می توان خطرزد و نه از سایر کشورهای انقلابی و پیشرفته می توان خواست که دست از عملکرد انقلابی و مردمی خود بردارند. مثلاً در کشورهای سوسیالیستی قیمت کالاها ثابت است و ده سال به ده سال تغییر نمی کند مگر به قصد تعدیل و بیشتر در جهت کاهش.

حالا چه باید کرد؟ آیا می توان از تثبیت قیمت ها به بهانه این که کمونیستی است صرف نظر کرد؟ آیا می توان از کشورهای سوسیالیستی خواست که دست از تثبیت قیمت ها بردارند که کار ما اولین نمونه در جهان و "نه شرقی" باشد؟

پس چه باید کرد؟ اگر راه انقلابی می خواهیم و نمی خواهیم به نظام دوران شاه و آمریکا خدمت کنیم و نمی خواهیم این مردم ستم دیده هم چنان در حلی آبادها جان بکنند، نمی خواهیم که کشور ما هم چنان کشور عقب مانده، فقیر و بیمار و بی سواد بماند، فقط یک راه در برابر ماست: دیدن واقعیت ها و به دور انداختن ارشبه ننگین ضد توده های شاه و نجات دادن جامعه از این برجسب! و گفتن صریح این که توده ای بودن جرم نیست و هر چیز خوب را در هر جای دنیا باشد باید گرفت و متناسب با شرایط کشور به کار بست.

متأسفانه برخی از عناصر صدیق ولی ناآگاه و کوتاه بین مسلمان، به هواداران ما می گویند:

"اگر حزب توده ایران نبود ما راحت بودیم. دیگر کسی نمی توانست به ما برجسب بزند."
تنگ نظری این دوستان ناآگاه - که عملاً دست دشمنان آگاهند - تا به حدی است که نمی بینند و نمی فهمند که ملاکین و سرمایه داران بزرگو آمریکا با خود آنان کار دارند و خود آن ها را به خاطر علاقهای که به انجام تحول در جامعه و تأمین استقلال ملی دارند "کمونیست" می شناسند. این شگرد شیطانی را در همه کشورها به کار می بندند. ضعف جنبش توده ای و کمونیستی در عربستان سعودی و مصر کار انقلابیون مسلمان را راحت تر نکرده، کار آمریکا و فهد و سادات را راحت تر کرده است. وجود جنبش توده ای، تقویت مواضع حزب توده ایران، به نفع انقلاب است و از انقلاب تفکیک ناپذیر است. هر بار که جنبش توده ای ضربه می خورد باید مطمئن بود که انقلاب و همه انقلابیون از هر عقیده و مسلکی ضربه می خورند.

بقیه در صفحه ۱۱

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۱۰

این را هم اضافه کنیم که به عقیده حزب توده ایران، انقلاب ایران مانند هر انقلاب دیگری خصوصیات ویژه خود را دارد و اگر پیش برود، شاید در عرصه های معینی چیزهای تازه ای بیافریند که انقلابیون سایر کشورها از آن بهره گیرند، اما شرط این کار موفقیت کامل انقلاب است و نادر جازدن و بازگشت آن. بگذار آن انقلابیون تنگ نظری که ناسیونالیسم کورچشمشان را بستمو به دام ضدانقلابشان انداخته است به خود آیند و اگر واقعا می خواهند جامعه نمونه ای بسازند، نخست کارهای انقلابی و معمولی را که دیگر انقلاب ها سال ها پیش و در چند هفته و چند ماه به پایان برده اند، انجام دهند تا راه برای تکامل باز باشد.

۳- تقویت سازمان ها و نهادهای توده ای

یکی از بزرگترین دشواری های انقلاب ما اینست که دشمنان دانا و دوستان نادان انقلاب دست به دست هم داده، جلوشکل توده های مردم را می گیرند و در عوض سازمان های سیاسی و طبقاتی کلان را سرمایه داران و بزرگ مالکان را تقویت می کنند.

رژیم شاه هر سازمان و حزب مردمی را از میان می برد و با تبلیغات وسیع خود کاری کرده بود که بستن و تارومار کردن هر سازمان مردمی امری طبیعی تلقی شود و آزاد گذاشتن سازمان ها و مطبوعات امری شگفت آور. این ارت ننگین هم متأسفانه به جمهوری اسلامی ایران رسیده و علی رغم قانون اساسی که آزادی های اساسی مردم را تامین می کند و شرط پیشرفت می داند، بسیاری از سردمداران جمهوری با همان معیارهای کهنه می اندیشند. بستن روزنامه ها و احزاب و سازمان های مردمی و حتی تارومار کردن سندیکا و تعاونی کارگری را طبیعی می دانند که به دستور دربان وزارت کار هم مقدور است، اما فعالیت سازمانی، حتی به حکم قانون اساسی و حتی بنا به وعده امام هم مقدور نیست. راست گرایان افراطی هر جا که دیده اند دو ایرانی زحمتکش دور هم جمع شده اند گم به سرگوب آن بسته اند. نه فقط احزاب، که شوراهای کارگری، سندیکاها، اتحادیه ها، تعاونی ها، شوراهای محلی، هر یک به نوعی متوقف، تعطیل و یا حتی سرگوب شده و هر جا هم که هنوز چیزی از آن ها باقی است با تمام قوا در تخریب آن می گویند.

در عوض ضدانقلاب متشکل است. هم در خارج کشور و هم در داخل کشور. هم علنی و هم مخفی. هیچ کدام از سازمان های استخواندار ملاکین و سرمایه داران - از نوع فراماسونری، روتاری، لاینز، انواع کلوب های پنهان و آشکار - پس از انقلاب ضربه سنگینی ندیده و کسی از فعالیت آن ها جلوگیری نکرده است. برعکس شرایطی فراهم شده که آنان سازمان های جدیدی پدید آورده و یا سازمان های سابق را فعال تر کنند. نمونه آن گسترش فعالیت همه جانبه حجتیه است که در همه دستگاه های دولتی نفوذ کرده و ریشه بسیاری از امور را به دست دارد. حتی از افشا و مجازات جدی عمال جنایتکار سازمان جهنمی ساواک نیز ممانعت به عمل آمد و به آن ها امکان داده شد که زیر نظارت مستقیم "سیا" شبکه های پنهانی خود را تادرون حساس ترین ارگان های دولتی و امنیتی پس از انقلاب گسترش دهند.

در برابر ملاکین، سرمایه داران متشکل - که در پشت پرده با سازمان های ضدانقلاب خارج کشور و سازمان سیا مربوطند و نمونه های آن را در فعالیت کلاهی ها، کشمیری ها و قطب زاده ها دیده ایم - توده مردم نیز جز این که متشکل شوند چاره ای ندارند و بهترین و وسیع ترین راه شکل نیز سازمان های توده ای است که طبق قانون اساسی و برای اجرای این یا آن اصل از قانون اساسی باید تشکیل شود. از این طریق است که می توان نیرویی برای دفاع از قانون اساسی گرد آورد.

۴- همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی

بزرگترین نقطه ضعف انقلاب ما تفرقه نیروهای انقلابی است.

در آغاز انقلاب اتحادی وسیع وجود داشت، ولی با عمیق تر شدن انقلاب و مطرح شدن ضرورت تامین عدالت اجتماعی، طبعاً از وسعت این اتحاد کاسته شد و دشمنان انقلاب با استفاده از زمینه تفرقه و خرابکاری که از زمان شاه به ارث مانده بود، به ویژه به اتحاد نیروی های انقلابی زیان زدند و هر نوع اتحاد انقلابی را تخطئه کردند و ظاهر اسلامی را معیار اتحاد قرار دادند، در نتیجه ساواکی هایی که طول تسبیحشان به درازی طناب دار بود متحد و دوست مسلمانان معرفی شدند و هر انقلابی صدیقی که تظاهر به زهد ریایی نمی کرد از همه جا طرد شد، و تفرقه دامنه گرفت و به این جا رسید که امروز می بینیم.

اگر می خواهیم انقلاب را نجات دهیم باید همه انقلابیون، یعنی همه کسانی را که در لحظه کنونی مدافع قانون اساسی و خواستار اجرای قطعی و سریع آن هستند با هم متحد کنیم.

برای این کار پیش از همه باید در حمتکشان مسلمان و مسلمانان مبارز با پیش گذارند. توده ای ها علی رغم تمام رنجها و دشواری ها هر چه توان داشته اند در این زمینه کار کرده اند و خواهند کرد، ولی تا وقتی که مسلمانان مبارز خود مبلغ و مدافع تفرقه باشند و در دام تفرقه افکنان بیفتند، طبعاً امر اتحاد نیروها عملی نخواهد شد.

البته ما واقع بین هستیم. می دانیم که اتحاد از مراحل مختلفی می گذرد و با آن که خواستار اتحاد کامل نیروهای انقلابی زیر پرچم واحد هستیم، روی حرف خود بهانه گیری نمی کنیم و معتقدیم که امر اتحاد را می توان از ساده ترین اشکال آن هم آغاز کرد و در سازمان های توده ای به نوعی توافق در همکاری ضمنی هم که شده دست یافت.

۵- پایان دادن به جنگ تجاوزی صدام علیه ایران

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که تجاوز صدام علیه ایران به تحریک امپریالیسم آمریکا صورت گرفته و چنان که رهبر انقلاب بارها تأکید فرموده اند هدف تجاوز شکست دادن انقلاب ایران است.

آمریکا و صدام در نقشه نخستین خود پیروز نشدند و با نیروی متحد مردم ایران از خاک میهن ما به طور عمده بیرون رانده شدند. اما نقشه امپریالیسم آمریکا بر استفاده از این جنگ هم چنان ادامه دارد. آمریکا می خواهد این جنگ را فرسایشی کند و نیروهای ایران و به ویژه انقلابی ترین بخش نیروهای سپاه و ارتش را در باتلاق های جنگ برای مدت طولانی معطل و فرسوده کند.

حوال آمریکا در داخل کشور نیز با استفاده از ادامه جنگ فرسایشی، از یک سو وضع اقتصادی مردم را دشوارتر می کنند، و از سوی دیگر با استفاده از غیبت نیروهای انقلابی و درگیری آن ها در جنبه ها، مواضع خود را تحکیم می نمایند.

آمریکا، ضمن اجرای این نقشه خطرناک و فرسوده کردن جمهوری اسلامی ایران در جنگ، در عین حال طوری رفتار می کند که هیچ یک از نمایندگان برجسته سرمایه داری بزرگ ایران و وابسته به آمریکا از ادامه جنگ دفاع نکنند و خود را در ظاهر صلح طلب نشان دهند.

حساب آمریکا اینست که به این ترتیب مسئولیت دشواری های جنگ به گردن نمایندگان سرشناس خط امام می افتد و آن ها در فرصت مناسب می توانند وابستگان خود را "بیک صلح" جا بزنند و به مردم تحمیل کنند.

بر همه مردم و نیروهای خط امام است که در برابر این توطئه امپریالیسم پیش از پیش و کاملاً هشیار باشند.

هم چنان که رهبر انقلاب و نیز نمایندگان سرشناس خط امام بارها گفته اند ایران انقلابی آغاز کننده جنگ نیست، جنگ طلب هم نیست و جدا طرفدار صلح شرافتمندان و تامین حقوق حقه ایران است. ایران انقلابی نمی خواهد که نیروهای خود را در جنبه ها بفرساید و نمی خواهد که به جای مردم عراق مسائل عراق را حل کند. ایران تنها از تمامیت خود و انقلاب خود با جانبازی و فدکاری دفاع می کند و بنابراین علاقمند است که این جنگ هر چه زودتر به سود انقلاب ایران پایان یابد تا نیروهای انقلابی بتوانند به حل مسائل اساسی انقلاب در داخل کشور بپردازند.

بقیه در صفحه ۱۲

بوق را باد اتحاد همه نیروهای صدامیریالیستی و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خلق

پیشنهاد های حزب توده ایران برای نجات انقلاب ایران از بحران

بقیه از صفحه ۱۱

روشن است که رسیدن به چنین صلح شرافتمندانه و قطع تجاوز صدام نیازمند آنست که جنگ - به عنوان یک توطئه آمریکا - به درستی و با روشن بینی بررسی شود.

۶- حضور مردم

انقلاب ایران تنها با حضور مردم تا به این جا رسیده و ادامه پیروزمند آن نیز موکول به ادامه حضور مردم در صحنه است. دشمنان انقلاب می‌کوشند مردم را از صحنه خارج کنند و برای این کار ضمن دلسرد کردن آن‌ها از انقلاب، چنان شعارهای ضد انقلابی مطرح می‌کنند که مردم انقلابی از شرکت در صفوف آن بیزار شوند و از صحنه کنار بروند. در مقابل این توطئه دشمنان انقلاب، از هر رنگی که باشند باید ایستاد، در صحنه حاضر بود و به جای شعارهای گنگ و انحرافی، شعارهای روشن و مشخص انقلابی داد، شعارهایی که از اصول مترقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سرچشمه می‌گیرد و متضمن خواست‌های انقلابی مردم است.

چنین است پیشنهاد های کمیته مرکزی حزب توده ایران برای برون رفت از بن بست و گسترش انقلاب.

در خاتمه از رفقا و هواداران و دوستان حزب توده ایران می‌خواهیم که انتظارات و پیشنهادات ما را برای برون رفت از بحران خطرناکی که انقلاب و دست آور های آن را تهدید می‌کند با کارگران و زحمتکشان انقلابی و پیروان صدیق خط امام که به ما مراجعه می‌کنند به طور وسیع در میان بگذارند. به کارگران و زحمتکشان انقلابی بگویند: حزب توده ایران حزب خود شماست. این حزب چیزی نیست جز مجمع کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی که برنامه آن همانا خواست‌ها و آرزوهای باطنی شماست. علت این که دشمنان انقلاب هر اقدام شما را به توده‌های بودن نسبت می‌دهند اینست که واقعا هم خواست‌های حزب ما جز خواست‌های به حق شما نیست. آن چه آرزو و فکر شماست همانست که در برنامه حزب توده ایران نوشته شده و بهترین فرزندان شما طی چهل سال در راه آن جانفشانی کرده‌اند. فاصله شما از حزب توده ایران فقط به این علت است که شما هنوز خود نمی‌دانید که برای رسیدن به آرزوهای خود باید مبارزه متشکلی داشته باشید. سرکوب شدن حزب توده ایران - چه در زمان شاه و چه امروز - برای همین است که شما به خود آگاهی نرسید و از سنگر و جبهه خود جدا بمانید!

در برابر این توطئه دشمن طبقاتی هشیارانه پایداری کنید. بکوشید تا مبارزان انقلابی را که از خود شما هستند در پناه بگیرید. به آن‌ها نزدیک و نزدیک تر شوید. آن‌ها را بشناسید تا خود را بشناسید! به مسلمانان مبارز، پیروان صدیق راه مردمی و ضدامپریالیستی امام بگویند:

در این روزهای سرنوشت ساز مسئولیت شما بیش از همه است. مردم به شما اعتماد کرده و هر چه داشتند در اختیار شما گذاشتند. آن‌ها از هیچ گذشته و آثاری فروگذار نکردند. بمانید امید که شما انقلاب را به پیروزی برسانید. امروز چه دارید به مردم بگویید و فردا که انقلاب به طور قطع شکست بخورد چه خواهید گفت؟ "گروهک‌ها نگذاشتند؟! آیا خودتان به این باور خواهید داشت و با وجدان راحت سربرالین خواهید گذاشت؟

دوستان عزیز! برادران! خواهان این است که شما از انقلاب و پیروزی آن می‌ترسید؟ این ترس تاکنون بسیاری از انقلاب‌ها را در کشورهای نظیر کشور ما به شکست کشانیده است. مصدق از ترس پیشرفت انقلاب درمانده شد و حکومت را به شاه و آمریکا سپرد.

انقلاب یعنی تحول. و شما از تحول در همه ابعادش نباید هراسان باشید. هر تغییری نباید شما را در برابر این وحشت قرار دهد که "شرقی شد!" در نتیجه این ترس نادرست است که شما با هر

تغییری مخالفت می‌کنید و گاه به شانتاژ ضد انقلاب تن در می‌دهید و در نتیجه عملا - چه بخواهید و چه نخواهید - حافظ نظام کهنه می‌شوید که از بدترین و عقب مانده ترین نوع غریبی است. دوستان عزیز!

ما شما را به بی‌گیری در روش انقلابی و به اعتماد بنفس دعوت می‌کنیم. کشور ما تمدن و فرهنگی غنی و عمیق دارد و این خطر به هیچ وجه در بین نیست که با پیشرفت انقلاب، شخصیت و منش ملی و مذهبی و خصوصیات فرهنگی ما از دست برود. برعکس فقط با زرفش و گسترش انقلاب است که ده‌ها میلیون زحمتکش ایرانی از خاک سیاه بلندی شوند و دست در دست هم، میهن عزیز را به یک کشور آزاد، مستقل، سربلند و قدرتمند مبدل می‌کنند.

دشمنان انقلاب شما را به ویژه از ما توده‌های ما می‌ترسانند، در حالی که دشمن شما در درون خود شماست. دشمن اصلی شما - بر خلاف ادعای عمال آمریکا و خدمه سرمایه‌داران غارتگر - مارکسیسم نیست، امپریالیسم آمریکاست که به صورت اسلام یزید و معاویه، به صورت اسلام آمریکایی درآمد است. به یاد آورید که مارکسیسم فقط صد سال است پیدا شده و هرگز امکان نیافته است که در کشور ما به طور وسیعی عرضه شود. اما اسلام - همان طور که بارها امام فرموده‌اند - از ۱۴۰۰ سال پیش مورد دستبرد واقع شده و پس از دوران صدر اسلام در محاق تعطیل افتاده است. آیا این حکومت‌های جور و ستمی را که در ۱۴۰۰ سال آمده و رفته اند خود را اسلامی نامیده‌اند مارکسیست‌ها آورده‌اند؟ آیا رضاشاه و محمدرضا شاه را توده‌های ما آورده‌اند؟ آیا قبایلهای چند صد و چند هزار پارچه آبدادی غصبی را به نام یکمشت جبار غارتگر و فنودال بی رحم مارکسیست‌ها نوشته‌اند؟ به مبارزین مسلمان پیرو خط امام تاکید کنید:

بیش مارکسیسم یک مذهب نیست و به طریق اولی حزب توده ایران حزب مذهبی یا یک حزب ضد مذهبی نیست. بلکه یک حزب سیاسی و خواستار تحول اجتماعی به سود حقوق حقه توده‌های زحمتکش است. یعنی این حزب خواستار تحول بنیادی نظام اقتصادی - اجتماعی ایران، خواستار تامین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است.

برنامه حزب ما می‌تواند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیاده شود و برای همین است که امروز تنها مدافع واقعی قانون اساسی ما هستیم.

به پیروان خود بنگرید! چه کسی متحد واقعی شماست؟! آن توده‌های که حتی به بهای جاننش خواستار پیروزی انقلاب است، یا آن مدعی اسلام خواهی که صریحا و به نام اسلام با انقلاب مخالفت می‌کند؟ چگونه است که شما با خواستاران شکست انقلاب یکی می‌شوید؟ جز اینست که از پیروزی می‌ترسید؟!

ما در هراس آینده خود نیستیم! اگر عمال سیا و موساد و اینتلیجنت سرویس همه توده‌های ما را هم از میان ببرند، ما مطمئن داریم که سرانجام برنامه عدالت اجتماعی به سود توده‌های زحمتکش اجرا خواهد شد، زیرا انقلاب راهی جز این ندارد و هر بار انقلاب توده‌ها اوج گیرد، حزب توده‌های آن‌ها هم قطعا باشکوه بیشتر سر بر خواهد داشت. آن‌ها که می‌خواهند بهره‌کشی و روش‌های نواستعماری را ابدی کنند به این مقصد محال خود نخواهند رسید. بشریت از خواب دیرین بیدار شده و هر روز که بگذرد بیدارتر خواهد شد و این روندی است جلوگیری ناپذیر.

نگران ما از آینده انقلاب مشخص کنونی است که شما در راس آن قرار دارید. اگر این انقلاب شکست بخورد - همان طور که امام بارها تاکید فرموده‌اند - شما دیگر سربلند نخواهید کرد.

به خود آییند! به وعده‌های خود عمل کنید! نگذارید دشمنان مردم و عمال آمریکا، پیام‌ها و فرمان‌های امام را این چنین خوار کنند و بلا عمل و بلا اثر بگذارند. ما روی همان تعهد انقلابی که از آغاز انقلاب گفته‌ایم ایستاده‌ایم و هر گام انقلاب را علیه امپریالیسم و در جهت منافع مردم تأیید می‌کنیم و به پیشرفت انقلاب کمک می‌رسانیم. ما هم چنان پشتیبان خصلت ضدامپریالیستی و مردمی خط امام هستیم. ولی باید پرسید خود شما عملا چطور و تا کجا؟

پاسخ این پرسش را نه به ما به مردم، به تاریخ و به وجدان خودتان بدهید!

۲۸ فروردین ۱۳۶۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

کمونیستهای فیلیپین مبارزه خود را علیه سیطره نو استعمار تشدید می کنند

بر اقتصاد این کشور آشکار شد . حزب کمونیست فیلیپین به درستی دلیل اصلی مشکلات اقتصادی کشور را در نفوذ کنترل نشده سرمایه های انحصاری خارجی، یعنی چیزی که منجر به سلطه نو استعمار بر کشور شده است، ارزیابی می کند . به همین جهت در اسناد کنگره هشتم حزب از جمله در این رابطه میخوانیم : "تضاد اصلی جامعه امروز فیلیپین، تضاد بین امپریالیسم و توده های خلق است . انحصارهای سرمایه داری خارجی دشمن اصلی خلق فیلیپین اند آنها همان محافل هار امپریالیسم ایالات متحده آمریکا هستند، که راه برون رفت از بحران اقتصاد خود را در سیاست تنش فزاینده و فوق تسلیماتی

ماند گیهای ناشی از سلطه استعمار و نو استعمار با مسئله تنش زدائی پیوندی تنگاتنگ دارد . بنه همین دلیل یکی از اهداف مهم سیاست تجاوز - کارانه امپریالیسم آمریکا اینست، که سیطره خود را بر منابع زیرزمینی و ذخائر انرژی پایدار نگاه دارد و آنها را گسترش دهد . امپریالیسم آمریکا در این رابطه می کوشد پیامدهای ناشی از بحرانهای عمومی و ادواری اقتصاد سرمایه داری را حتی امکان بردش کشورهای در حال رشد قرار دهد . بار

روند بحران اقتصادی مراکز امپریالیستی را قبل از همه کشورهای پر دوش احساس میکنند، که مانند فیلیپین با تسمه های محکم به سیستم اقتصاد

باتوجه به این واقعیت، که تنشج در منطقه آسیای جنوب شرقی، در اثر سیاست تنش فزاینده و فسوق تسلیماتی محافل هار امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، در سالهای اخیر افزایش یافته است، موضعگیری سیاسی و ایدئولوژیک احزاب کمونیست این منطقه در رابطه با مسائل محوری دوران ما، از وزن بیشتری نسبت به گذشته برخوردار خواهد بود .

کمونیستهای فیلیپین، محافل هار امپریالیسم آمریکا را مقصر اصلی تنشج بین المللی و افزایش خطر جنگ هسته ای می دانند . در گزارش کمیته مرکزی به هشتمین کنگره حزب کمونیست فیلیپین آمده است : "امپریالیسم ایالات متحده آمریکا با تمام امکانات می کوشد نسبت به اتحاد شوروی به برتری نظامی استراتژیک دست یابد و این هدف را از طریق دامن زدن به مسابقه تسلیماتی، بالا بردن هزینه های نظامی برای یافتن توان امنی بیشتر، تکامل سلاحهای جدید استراتژیک، مستقر ساختن نیروهای نظامی خود در اقصی نقاط جهان و بوجود آوردن پیمانهای نظامی، تعقیب می کند ."

پایگاههای نظامی ایالات متحده آمریکا، که بعد از جنگ دوم جهانی در فیلیپین ساخته شد، اکنون نقش استراتژیکی مهمی در نقشه های تجاوزکارانه پنتاگون ایفا می کند . امروزه یکی از پایگاههای نظامی دریائی در فیلیپین بنام "سایک بی" محل استقرار ناوگان هفتم ایالات متحده و یک پایگاه نظامی هوائی بنام "کلارک ایرفیلد" محل استقرار اسکادران هوائی سیزدهم ایالات متحده آمریکا است . در این دو پایگاه نظامی دریائی و هوائی بیش از ۱۶۰۰۰ سرباز و کارشناس نظامی مجهز به مدرن ترین تکنیکهای جنگی وجود دارند . زمانیکه "مارکوس" رئیس جمهور فیلیپین اواسط سال ۱۹۷۵ در مذاکرات با ایالات متحده آمریکا خواستار محدود شدن پایگاههای نظامی ایالات متحده در فیلیپین شد، یعنی چیزی که مستقیماً در ارتباط با حقوق حاکمیت و تقویت استقلال ملی کشور متبوش بود، با پشتیبانی و تأیید همه نیروهای دمکراتیک و صلح دوست رویو شد .

امروزه حزب کمونیست فیلیپین مبارزه ای بی امان را برای برچیدن پایگاههای نظامی امپریالیستی از خاک کشورش، دنبال می کند . حزب از تمام وسائل ممکن در مبارزه علنی خود استفاده می کند تا برای مردم روشن کند، که پایگاههای نظامی آمریکا در خاک فیلیپین نافی حق حاکمیت و استقلال ملی این کشورند .

حزب کمونیست فیلیپین در تحلیل اصولی خود همان نظر جنبش جهانی کمونیستی را نمایندگی میکند، که بین مبارزه برای صلح و مبارزه در راه ترقی اجتماعی پیوندی ناگسستنی وجود دارد .

امپریالیسم جهانی در عین حال، که منبع اصلی تجاوز و خطر جنگ است، مانع اصلی برسرراه تکامل و ترقی اجتماعی نیز بشمار می رود . خصوصاً در کشورهای در حال رشد مسئله از بین بردن عقب



۱۹۸۱ اپوزیسیون خواستار تحریم انتخابات ریاست جمهوری شد

جستجو می کنند و برای حل مشکلات اقتصادی خود به کشورهای در حال رشد "مدل" تحمیل می کنند، "مدلهائی" که از مدتها پیش دیگر حتی قادر به حل مشکلات ابتدائی جامعه نیز نیستند . این محافل هار امپریالیستی هستند، که سعی دارند، کوششهای کشورهای در حال رشد را برای دستیابی به نظامی که قادر به حل مسائل بنیادی اقتصادی-اجتماعی باشد، با همه وجود عقیم گذارند .

جهان سرمایه داری پیوند داده شده اند . البته باید اذعان داشت، که کمونیستهای فیلیپین در کوشش خود برای گسستن این پیوندها تنها نیستند و علاوه بر افشار بینابینی، حتی اقتصاری از بورژوازی ملی فیلیپین نیز بخاطر تشدید تضاد های جامعه، به مقابله با این روش تحمیلی نو استعمار برخاسته اند .

برنامه اصلاحاتی بورژوازی، که در دهه ۷۰ در خدمت منافع بورژوازی ملی فیلیپین آغاز شد، به نظر حزب کمونیست فیلیپین فقط بعضاً توانست شحق یابد . هسته مرکزی این برنامه یعنی اصلاحات ارضی در درجه اول متوجه از بین بردن سلطه بزرگ مالکین فئودال بود . سیاست اقتصاد محافل خاکه را استفاده از سرمایه ملی، سرمایه گذارهای از خارج و یا به اصطلاح "کمکهای اقتصادی از خارج"، برای از میان بردن وابستگی به انحصارهای امپریالیستی و نابود کردن بقایای فئودالیسم تشکیل می داد . این سیاست اصلاح طلبانه بطور همزمان می کوشید از "روابط ویسره" با ایالات متحده آمریکا بکاهد و بر نزدیکی روابط با کشورهای سوسیالیستی و پیوستن به جریه جنبش غیرمتعهد ها تعایل نشان دهد .

پس از گذشتن دوره اعتدالی نسبی اقتصاد فیلیپین در دهه ۷۰ و رسیدن نمانهای بحرانی آغاز دهه ۸۰، تاثیر مخرب بحران ادواری امپریالیسم

مزدگانی، که گریه عابد شد

بقیه از صفحه ۱۴

خط مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب در خاک کیمت جمهوری اسلامی ایران است . روی خوش نشان دادن امپریالیستها و شرکتهای وابسته به آنها، تنها بیانگر اهداف پلید این جهانخواران است و الا مطمئن باشید کوچکترین گامی در جهت تأمین خود کفائی کشور ما بر نخواهند داشت . امپریالیسم همه کشورهای جهان سوم را عقبنده می خواهد تا منبعی برای مواد خام و بازاری بزرگ فروش کالاهای مصرفی باشند . ماهیت امپریالیسم چنین است . د ولتمردانی که آنرا فراموش کنند خواه ناخواه آلت دست امپریالیسم بین المللی خواهند شد .

مردگانی، که گربه عابد شد

شرکت تالبوت، کارگران ایران ناسیونال را آموزش تخصصی می دهد

روابط عمومی شرکت ایران ناسیونال در يك اطلاعیه اعلام کرده است: " با توجه به اهداف جمهوری اسلامی ایران مبنی بر قطع وابستگی صنعتی و حرکت در جهت خود کفائی، بر اساس قرارداد منعقدہ بین کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال و شرکت " تالبوت" انگلستان، شرکت " تالبوت" موظف و متعهد شد به مدت ۵ سال پرسنل فنی ایران ناسیونال را در دوره های ۴ ماهه و در گروههای ۲۰ نفره با هزینه خود آموزش تخصصی بدهد. لذا به یاری خداوند متعال اولین گروه از کارکنان ایران ناسیونال پس از طی يك دوره کلاس آموزش زبان انگلیسی در مرکز آموزش این کارخانجات عازم کشور انگلستان شد."

شرکت های امپریالیستی و از جمله همین شرکت " تالبوت" در تمام شئون اقتصادی و سیاسی و نظامی و حتی فرهنگی کشور ما نفوذ کردند و آنرا بصورت يك نیمه مستعمره در آوردند. ولی حالا جمهوری اسلامی ایران را چه میشود کسه امپریالیسم انگلستان و شرکت " تالبوت" او موظف و متعهد شده اند به مدت پنج سال پرسنل فنی ایران ناسیونال را در دوره های ۴ ماهه و در گروههای ۲۰ نفره با هزینه خود آموزش تخصصی بدهند؟ آیا معجزه ای رخ داده و امپریالیستها با انقلاب ما آشتی کرده اند و یا اینکه کاسه ای زیر نیم کاسه هست؟ البته کسانی که با مسائل فنی آشنا هستند خوب میدانند که دوره های چهار ماهه، اگر هم خوب سازمان داده شده باشد، برای کسب آموزش تخصصی بمنظور خود کفائی فوق العاده کوتاه است. در این مدت مثلا میتوان بيك کارگر یاد داد که چگونه با يك ماشین تراش، فلان جز موتور را آماده کند. اما آیا این میتواند در دفعه ماندگی فنی و علمی ما را درمان کند و ما را خود کفا نماید؟ برای رسیدن به خود کفائی ما باید از سیر تا پیناز را بیاموزیم، طراحسی ماشین، محاسبه آن، تکنولوژی تولید، مونتاژ و

این اطلاعیه را باید چند بار با دقت خواند تا به کنه مطلب پی برد. دولت انگلستان بيك دولت استعماری و امپریالیستی است. این دولت چه در دوران پیش از انقلاب و چه پس از آن، دشمن سرسخت مردم ایران بوده و هست. کودتای ننگین ۲۸ مرداد حاصل توطئه ننگین امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلستان علیه تلاش مردم ایران برای کسب استقلال واقعی اقتصادی و سیاسی بود. و بد نبال همین کودتا

غیره. بدین منظور باید کادرهای بسیار زیادی را بصورت مهندسی، تکنسین، فیزیک دان، شیمی دان، ریاضی دان و غیره آماده کنیم تا بطسور هماهنگه، هر يك گوشه ای از کار را بعهده بگیرند و آنرا پیش ببرند و گرنه آنگونه " خود کفائی" نظیر همان " صنعتی کردن" دوران شاه است، که مقداری کارخانه های مونتاژ وابسته به کشورهای امپریالیستی ایجاد کرد و کشور ما بصورت نیمه متعهد در آورد.

آیا واقعا رهبران جمهوری اسلامی ایران این مسائل را درک نمیکنند و از روی ناآگاهی به عمال باقیمانده و نفوذی امپریالیسم امکان میدهند با مسلمان نمائی و گذاشتن يك "بسمه تعالی" و یا "بسم الله الرحمن الرحيم" بالای نقشه های خانمان سوز خود، آنانرا بهرحا کسه میخواهند بکشند؟ و یا اینکه بر اثر گرفتار شدن در بن بست اقتصادی و سیاسی، تنها راه چاره را در سازش با امپریالیسم بین المللی می بینند؟ عقب نشینی های جدی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در ماههای گذشته، در برابر راستگرایان و عمال سرمایه داران و بزرگ مالکان در تمام زمینه های اقتصادی بسیار نگران کننده است زیرا میتواند منجر به تسلیم کامل سنگرهای انقلاب به دشمن داخلی و خارجی شود. هجوم دو ماه پیش راستگرایان به نیروهای پیگیر خواهان استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی خود یکی از نشانه های نگران کننده از پیدایش انحراف از عقب نشینی های جدی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در ماههای گذشته، در برابر راستگرایان و عمال سرمایه داران و بزرگ مالکان در تمام زمینه های اقتصادی بسیار نگران کننده است زیرا میتواند منجر به تسلیم کامل سنگرهای انقلاب به دشمن داخلی و خارجی شود. هجوم دو ماه پیش راستگرایان به نیروهای پیگیر خواهان استقلال - آزادی و عدالت اجتماعی خود یکی از نشانه های نگران کننده از پیدایش انحراف از

بقیه در صفحه ۱۳

بعد از جمشید نوبت توده ایهاست

برای ایجاد جو ناامنی و خشونت از هرگونه تهمت و افترا، کمین شبانه در محل سکونت و کار، حمله گروهی از پشت سر به وحشیانه ترین شکل خود کوتاه نکرده اند. کافیسیت اشاره شود در مدت چند ماه جمعا ۱۰ فقره حمله فافلگیرانه از طرف ضد انقلاب در این شهر انجام شده که بیشتر آنها منجر به مجروح و صدوم شدن هواداران

عکس ذیل که شعار " بعد از جمشید نوبت توده ایهاست" را نشان می دهد، در شهر موپلید، یکی از شهرهای جنوب فرانسه گرفته شده است. جمشید یکی از مسلمانان انقلابی است که از طرف ضد انقلاب به وسیله چکش شديدا از ناحیه سر مجروح و بستری شد و پزشکان باتلاش فراوان و بعد از چند ماه بستری شدن نتوانستند او را از مرگ نجات دهند.



این شیوه رذیلانه، در این شهر و در شهرهای دیگر علیه مدافعان انقلاب، چه مسلمان مبلز و چه دگراندیش با دلگرمی از حمایت پلیس کشورهای امپریالیستی اعمال می شود. آنها برای راندن هواداران انقلاب از صحنه سیاسی و

انقلاب شده است. اکنون توده های ما این سؤال را از مسلمانان مبارز می کنند: - چرا همواره ما و شما مورد این حملات بوده ایم؟ - چرا آنان همواره کوشش خود را بصرف این کرده اند که از کوچکترین تشکل های ما، همکاری ما

با یکدیگر به جزئی ترین شکل خونه هم جلوگیری کنند؟ آنها با حمله به میزهای کتاب ما در دانشگاهها با حمله به جشن ها و میتینگ های ما با حمله به هر شکل فعالیت سیاسی ما برای دفاع از انقلاب از نزدیکی ما به یکدیگر جلوگیری می کردند. امیر - یالینسم آمریکا در این لحظات حساس از تمام بازوان خویش برای رسیدن به این هدف و ایجاد جو عدم تفاهم در میان نیروهای انقلابی هوادار انقلاب استفاده می کند. اگر تا دیروز این هدف به صورت ترورهای شخصیت های اصلی خط امامی، حمله به دفتر حزب و هواداران ما صورت می گرفت، امروز با هجوم راستگرایان و محافظ ارتجاعی و متهم کردن حزب ما به اتهامات ناروا صورت میگیرد. بهمین دلیل است که کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه اخیر خود، این هدف را چنین ارزیابی میکند: " تخم نفاق، پدگمانسی و بی اعتمادی میان نیروهای انقلابی پاشیده می شود و اتحاد عمل آنان در دفاع از انقلاب و جمهوری تا حد غیرممکن دشوار می شود و جمهوری بلادفاع می ماند."

هر کجا که به شما حمله کرده اند ما نیز بلافاصله مورد حمله واقع شد ما هم و هر کجا که بیه ما ضربه زد ما هم بلافاصله بی نصیب از آن نمائید. ما می گوئیم اینها می خواهند ما را رادش بکشند. اینها از حمله به ما، بازداشت رهبران حزب ما همه دستاورد های انقلاب را هدف قرار دادند.

اگر امروز به خود نیاثیم فردا دینسر خواهیم بود.

کنفرانس علمی "کارل مارکس و زمان ما" - ...

بقیه از صفحه ۵

انطباق مارکسیسم - لنینیسم با واقعیت بخرنج آنروزی ایران، در آغاز امر دچار برخی اشتباهات سنگتاریستی شده. نکته اینجاست که تا آن هنگام مارکسیسم - لنینیسم بطور عمده و تکامل خود را در جامعه‌های اروپائی طی کرده بوده و پس از وجود يك سلسله رهنمود های بسیار گرانمایه نماید که در آغاز مارکس، انگلس و لنین در مورد کشورهای خاور زمین وجود داشت، انطباق شخصی تر، گسترد تر آموزش مارکس بر جوامع این کشورها هنوز کاری بود که می‌بایست ادامه یابد و راه پر فراز و نشیبی را طی کند. در آن ایام حزب ما، در مورد شناخت عمل کرد اجتماعیه بورژوازی ملی و قشرهای متوسط جامعه در این کشورها و مختصات ایدئولوژیک آنها، تصورات چندانی روشن نداشت. ولی حزب پس از تصحیح اشتباه خود، سیاست درست اتحاد و انتقاد را نسبت به نیروهای ملی و نیروهای دمکراتیک که در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت داشتند، در پیش گرفت.

جنبش مردم ایران برای ملی کردن صنایع نفت در دوران حکومت دکتر محمد مصدق، در اثر کودتای سیا ساخته، محمد رضا شاه پهلوی و ژنرال زاهدی با شکست روبرو گردید. حزب توده، ایسران با خشونت هر چه تمامتر سرکوب شدند. دوران طولانی و ۲۵ ساله اختناق سیاه آغاز شد، همان دورانی که اکنون امپریالیسم آمریکا رویای تجدید آنرا در سر می‌پروراند و مایل است به "بهشت گمشده" خود بازگردد.

در سالهای ۵۰ و ۶۰ و بخشی از سالهای ۷۰، تاثیر انحرافات که در جبهه جهانی کمونیستی، در نتیجه یک سلسله علل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوران پس از جنگ دوم جهانی پدید شده بود، در میان مبارزان ایرانی نیز مشهود است. اشکال مختلف "مارکسیسم" انحرافی، بویژه در میان جوانان، آغاز شد. گروهی که های ساخته "سیا" از "چپ" به مبارزه با مارکسیسم راستین انقلابی و حزب توده، ایران که مدافع و اشاعه گران بود، پرداختند. در همین دوران است، که بخشی از دمکراسی انقلابی و از آن جمله جوانان مذهبی تاثیر مارکسیسم را به اشکال مختلف پذیرفتند. تشدید مبارزه طبقاتی در صحنه جهانی با امپریالیسم، اثرات خود را در جنبش مذهبی باقی گذاشت و این پدیده در کشور ما بعدها نتایج بزرگی ببار آورده و در انقلاب اخیر کشور ما تاثیر نمود.

میتوان گفت که از سال ۱۹۷۶ بحران شدید رژیم دیکتاتوری دست نشانده محمد رضا شاه (که نقش زائد ارم امپریالیسم را در خلیج فارس ایفا میکرد) آغاز گردید. این رژیم کوشید تا یک الگوی نمونه وار از جامعه سرمایه داری وابسته را با تقلید شیوه زندگی آمریکائی در کشور ما پیاده کند. این رژیم هیچیک از مسائل دردناک جامعه ما مانند مسئله استقلال اقتصادی و سیاسی،

مسئله دمکراسی، مسئله ارضی، مسئله حقوق اجتناب و اقتصادی کارگران و زحمتکشان، مسئله برابری حقوقی اجتماعی زنان، مسئله مبارزه با بیسوادی و ایجاد مبانی فرهنگ و علم و هنر بمعنای واقعی کلمه را حل نکرد و آشکارا راه غارتگری بی بند و بار و بند و بست با انحصارهای امپریالیستی و خیانته ملی و سرکوب بیرحمانه جنبش مردم را در پیش گرفت. تضاد کل جامعه ما با امپریالیسم متضاد - های دپرونی جامعه ما به حدت بی سابقه ای رسید. انقلاب ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی ایران، که بعلمت شرکت اکثریت شکننده مردم در این خصلت خلقی بود، در سال ۱۹۷۹ روی داد. بر اثر سیاست تضییقی وحشیانه رژیم شاه و پراکندگی موجود در میان نیروهای چپ متاسفانه ایسرن نیروها نتوانستند نقش قابل توجهی در روند این انقلاب بعهده بگیرند.

ویژگی انقلاب ایران آنست، که با داشتن محتوای اجتماعی و طبقاتی معین، در زیر پرچم جنبش اسلامی و در پوسته اسلامی، انجام گرفته است. تئوری پردازان امپریالیستی بویژه سعی دارند که این محتوا را منکر شوند و از نوزائی و رسانس بنیادگرائی اسلامی سخن می‌گویند و مضمون اصلی اجتماعی انقلاب را مسکوت می‌گذارند طبیعی است که در این طرز تعبیر و تفسیر از انقلاب ایران، اندیشه پردازان سفنسطه گسر بورژوازی امپریالیستی، دچار اشتباه محصومانه نیستند، بلکه مایلند، که نقش مردم و خواسته های رادیکال آنها در این انقلاب و خصلت اجتماعی و سیاسی آن نادیده گرفته شود.

مارکس و انگلس و لنین در موارد مختلفی تاکید کرده اند، که انقلابهای اجتماعی میتوانند در پوسته جنبش مذهبی انجام گیرند. این پدیده بارهسا در سده های میانه و در دوران جدید دیده شده است. مارکس پیوسته پدیده "مذهب را هم در برخورد با نظریات هگل و "هگلیان جوان" وهم در برخورد با نظریات فویرباخ مورد بررسی ژرفی قرار داده است. از نظر مارکس، مذهب شکلی از شعور اجتماعی است، که دارای اهمیت پیشینی است. مارکس می‌نویسد: "مذهب میتواند بشكل بلاواسطه و عاطفی شیوه رفتار انسانها نسبت به آن نیروهای طبیعی و اجتماعی باشد، که از او بیگانه شده اند، این امر تا زمانی است، که بشریت در سلطه این نیروهای بیگانه شده است." (کلیات مارکس و انگلس به آلمانی - ج ۲۰ - ص ۲۹۴)

از آنجا که مذهب، از دیدگاه مارکس، انعکاس و تاثیر ویرانگر نیروهای طبیعی و اجتماعی در شعور انسان، منکوبیت او از شرایط زندگی، و بنا بیک اصطلاح ژرف مارکس، "آه یک مخلوق ستم دیده" و نتیجه از هم پاشیدن مبنای زمینی زندگی انسانی است، لذا نقش آن، در خلقهای "جهان سوم"، که در زیر ستم دوگانه امپریالیسم و ارتجاع خودی زجر می‌کشند، بویژه بسیار نیرومند است.

بهمین جهت تنها پیش سلط و قابل درک برای اکثریت بزرگ مردم در بخشهای مهمی از "جهان سوم" تا کنون نیز پیش مذهبی است. لذا ابدا تعجبی ندارد، اگر در کشور ما بسیاری از جنبشهای اجتماعی، خواه در سده نوزدهم خواه در سده بیستم، با شرکت موثر بخشی از روحانیت مبارز و مسلمانان عدالت طلب و زیر چتر جنبش مذهبی اسلامی انجام گرفته است. ایسرن پدیده نه تنها برای مارکسیسم پدیدهای غیرمنتظره نیست، بلکه تنها مارکسیسم میتواند آنسره بشکل علمی، روشن کند و توضیح دهد.

مذهب همیشه طی تاریخ ما بر حسب آنکه هرچند اندیشه های کدام طبقات و قشرهای اجتماعی بوده، عمل کرد خاصی داشته است. اکنون نیز در بسیاری از جوامع "جهان سوم"، مذهب نقش دوگانه (مذهب (و از آنجمله اسلام را) مشاهده می‌کنیم. مثلا اسلام در رستاق سعودی، بدن، یا - کستان و امثال آن، در خدمت قشرها و طبقات فئودال و کومبرادوری قرار دارد، که به امپریالیسم خدمت می‌کنند. روحانیت محافظه کار وابسته به این طبقات، مذهب را در این کشورها مسبود تعبیراتی قرار میدهد، که در دوران فئودالیسم بسود خلفا، شاهان و خانهای ستمگر قرار گرفته بود.

ولی مذهب، از سوی دیگر، میتواند در خدمت مقاصد توده های محروم قرار گیرد و به نیروی پرا- انگیزاننده های بسود برقراری عدالت اجتماعی بدل گردد. امام خمینی نماینده این خط مردمی در مذهب است و باین جهت شخصیت او و روش او و نظریات او خشم و کینه امپریالیسم و ضد انقلاب را علیه او برانگیخته است.

تا کنون امپریالیسم و ضد انقلاب آنست، که اگر نتوانند حاکمیت اسلامی را سرنگون کنند، در آنصورت خصلت ضد امپریالیستی و خلقی آنسرا مورد مسخ قرار دهند و آنرا از درون دیگرگون سازند و با تعابیر قشری و سنتی از اسلام، ماهیت اولیه انقلاب را از میان ببرند و راستای آنرا تخمیر دهند. بهمین جهت اشکال جدید دشمنی با مارکسیسم به اشکال کهنه اضافه شده است، زیرا آنچه که امپریالیسم و ضد انقلاب را بیش از همه هراسان می‌کند، درونمای وحدت عمل و اتحاد مسلمانان مبارز و مارکسیستهای اصلی است.

اشکال جدید کمونیسم ستیزی پس از انقلاب بد و صورت اصلی زیرین در آمده است: ۱- فعالیت شدید "انجمن حجتیه" و گروهی از روحانیون و مسلمانان قشری طرفسدار سرمایه داری و بزرگ مالکی، که با جهت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب بشدت مخالفند و تحت عنوان دفاع از "اسلام اصیل" عملا در خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی مغلطه می‌کنند. این عناصر توانستند پس از انقسلاب نفوذ بزرگی در نهاد های دولتی و اجتماعی کسب کنند و اینک انقلاب از جانب آنها جدا در معرض تهدید قرار گرفته است؛

۲- گروههای لیبرال و ملی گرا (بویژه بخش مذهبی آنها)، که با دفاع آشکارا از سرمایه داری و لزوم "آشتی" با آمریکا و سازش با امپریالیسم

کنفرانس علمی "کارل مارکس و زمان ما" ...

بقیه از صفحه ۱۵

عمل می کنند و با حزب توده، ایران و مارکسیسم و سوسیالیسم جهانی دشمنی آشفتنی ناپذیر دارند.

ولی علیرغم همه این دشواریها و خطرات و در درون این شرایط بخرنج و متضاد، گرایش نزدیکی و اتحاد و وحدت، در میان گروههای صادق مارکسیستی (که در گذشته دچار یک سلسله اشتباهات و گمراهیها بوده اند) بسط یافته و از آنجمله این گرایش در میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسلط است. برخی گروههای چپ کوچک تر نیز تحولات سالهای را طی می کنند و گردانند. این روند وعده میدهد، که تفرقه، زبان باری، که در صفوف پیروان سوسیالیسم علمی در کشور ما، بویژه در اثر مختصات وضع ایران و جهان در دهه های نزدیک پیش، پدید آمده بود، خاتمه پذیرد.

نطفه های جالب توجه از چنین پدیده ای همچنین در میان انقلابیون مسلمان دیده می شود، که بدون تردید، میتوان به گسترش آینده آن امید وار بود.

حزب توده، ایران با تشخیص درست، مارکسیستی و ویژگی های کنونی جامعه ایران، سیاست خود را بر پایه پشتیبانی از مسلمانان انقلابی پیرو خط امام خمینی در مبارزه آنان علیه امپریالیسم و استبداد سلطنتی قرار داده است. حزب توده، ایران با تمام قوا کوشید و می کوشد تا انقلاب را از لغزش بجانب راست صیانت کند. نقش حزب ما بویژه از جهت در انقلاب کنونی قابل ذکر است:

۱- از جهت بسیج هشیاری عمومی جامعه در مقابل دسایس رنگارنگ امپریالیسم و ضد انقلاب و افشا، موقع توطئه ها و نقشه های ضد انقلابی از این جهت حزب ما خدمات زیادی به انقلاب کرده است.

۲- از جهت فعالیت در جهت آشنا ساختن بیشتر جامعه با تئوری مارکسیستی و سوسیالیسم واقعا موجود و جنبش های رهائی بخش ملی و مبارز با آپولیتیسیم و عامی گری سیاسی، که بویژه رژیم سرنگون شده آنرا به جامعه سرایت داده بود، و بالا بردن فعالیت توده ها.

انجام این وظایف در جو مارکسیسم ستیزی خشم آلود امپریالیسم، ضد انقلاب و نیروهای محافظه کار و سازشکار، عملا با دشواریهای متعددی همراه بوده و هست. ولی تمام پیروان سوسیالیسم علمی، علی رغم دشواریها و جو زهر آگین کمونیسم ستیزی، در این راستا فداکارانه پیکار می کنند.

انقلاب ۱۹۷۹ کشور ما، با وجود داشتن خصلت ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی و با آنکه نیروهای محرك آنرا اکثریت مطلق جامعه تشکیل میداد، و از این جهت از همان آغاز خصلت مردمی و دمکراتیک آشکاری کسب نموده، هنوز از چارچوب نسیمت تنگ بورژوا - دمکراتیک خارج نشده است. با آنکه بسیاری از خواسته های اصلی دمکراتیک

مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فرموده - لیبندی شده و اکثریت مطلق جامعه بدان رای داده است، ولی این اصول کماکان روی کاغذ باقی مانده است و قوانین معدود ناقصی هم که برای اجرا، اصول قانون اساسی از مجلس شورای اسلامی گذشته، مورد "وتوی" شورای نگهبان قانون اساسی قرار گرفته است. بدینسان، انقلاب از سال ۱۹۸۱ دچار رکود، بحران و توقف در سر دوراهی شده است.

روحانیت مبارز و نیروهای چپ و دمکراتیک به پیشرفت بعدی انقلاب علاقمندند، ولی امپریالیسم و متحدان آشکار و پنهان او با تمام قوا میکوشند که انقلاب را به واپس بکشانند. بویژه امپریالیسم آمریکا، که در همه جهان برای خود منافعی حیاتی! قائل است، تدارکات نظامی وسیعی در خلیج فارس و کشورهای مجاور ایران دیده و خواستار ادامه جنگ فرسایشی ایران و عراق و سازمان ده اصلی در این شرایط، انقلاب ایران برای آینده با دو امکان روبروست:

امکان اول: موفقیت امپریالیسم و ضد انقلاب و نیروهای محافظه کار و سازشکار برای تجدید دوران اختناق سیاه علیه سازمانهای مترقی و اندیشه های مارکسیستی؛ یعنی همان پدیده ای که در سده حاضر چند بار در تاریخ کشور ما تکرار شده است. این امر آغاز دوران ناکامی انقلاب ایران خواهد بود؛ هم اکنون این نیروها با تقویت مواضع خود در درون حاکمیت و سایر نهاد های سیاسی و اجتماعی کشور یورشهای خود را علیه سازمانهای مترقی از جمله حزب توده، ایران تشدید کرده اند و اکثریت رهبری حزب از جمله دبیر اول کمیته مرکزی آن رفیق نورالدین کیانوری را با اتهامات واهی و بی اساس زندانی و برای فعالیت حزب و سایر سازمانهای سیاسی مترقی دگراندیش مشکلات و محدودیت های سنگینی ایجاد کرده اند. با وجود این حزب توده، ایران همچنان سیاست روشن و بی انبساط خود را در پشتیبانی و حمایت از نیروها و عناصر مترقی در حاکمیت حفظ کرده است و کماکان وظیفه مبنی و مردمی و انقلابی خود میداند، اقدامات غلط، مخدوش و منفی جمهوری اسلامی ایران از موضعی غیر خصمانه و غیر ویرانگرانه انتقاد نماید و با پیشنهادات و طرحهای سازنده در همه شئون زندگی کشور راه را از بیراه تفکیک و نشان بدهد.

امکان دوم: پیدایش فضای نسبتا مساعدتر در نتیجه چیره شدن نیروهای انقلابی - برضد - انقلاب و دیگر نیروهای مخالف انقلاب.

ولی در هر حال جریانات سیاسی ارتجاعی که با مارکسیسم و سوسیالیسم و یا همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک، اعم از هر پیشی که داشته باشند، دستبازند، حتی در صورت موفقیت نخواهند. توانست مسائل واقعی جامعه ما را حل کنند و این خود نمی تواند به رشد باز هم نیروی تر مارکسیسم، که مظهر یک روند نو و غلبه ناپذیر

در تاریخ بشری است، کمک نکند. انقلاب جامعه ما را بیدارتر و خواسته های اجتماعی زمینکشانرا که حتی برخی از آنها در قانون اساسی بازتاب یافته، بشکل برجسته تری مطرح ساخته است و نمی توان تنها بانکا، زور و اختناق این واقعیت را از عرصه تاریخ بیرون راند.

جهان امروز، علی رغم هر نعره ای که ریگانها سر دهند، پیش از پیش از آموزش علمی و انقلابی کارل مارکس فیض می گیرد و در پرتوی این آموزش راه غلبه بر نیروهای جنگ و محافظه کاری رازرف - تر و همه جانبه تر در می یابد. مساعطمینان داریم که آموزش مارکس، که یگانه، لنین، سبب حقانیتش بود نیرومند است، در آینده، باز هم پیش از گذشته، به اهرم تحول انقلابی تاریخ پشور میدل خواهد شد. آموزش مارکسیستی آموزش خوش بینی تاریخی است. این آموزش از آزمایشات یکی از پر حادثه ترین و پویاترین قرون در تاریخ بشری نظر به تکامل جهشی علم و فن، تجمع عظیم تضاد های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین مبارزه بی مانند برای صلح و سوسیالیسم، علیه جنگ، استعمار و استثمار توانمندتر از هر وقت دیگری پدید آمده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا درست بحاضر همین توان تاریخی و جهانشمول ایده های مارکس و لنین در مبارزه علیه جنگ طلبان، استثمارگران و ستیزگران در جهان و نه بخاطر به اصطلاح "ضعف" و یا "پیری" علیه آن جنگ صلیبی راه انداخته است. ایدئولوژی بورژوازی در صاف با این تنها جهان بینی علمی خود را ناتوان و بی چاره نشان داده است.

جهان بینی که در آثار لنین، بزرگترین مارکسیست دوران ما، در ساختمان سوسیالیسم واقعا موجود و مبارزات احزاب انقلابی طبقه کارگر در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم نهفته است، توانائی خود را برای ایجاد جهانی مادی از جنگ، جنگ خانمانسوز هسته ای، مستحکم و طبقاتی نشان داده است.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که با بحرانهای عمیق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه است، ماهیت تجاوزکارانه خود را حفظ کرده و نجات خود را در مقابله، ایجاد بلوکهای نظامی و پایگاههای جدید، در دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و تلاش برای کسب برتری نظامی - هسته ای، در تشدید تشنجات و بالاخره در مداخله آشکار در امور داخلی دیگر خلقها و کشورها میجوید. امپریالیسم سیاست ماجراجویانه تدارک جنگ هسته ای را که مرگ هسته ای تمام بشریت را بیه دنیال خواهد داشت، دنبال میکند. تمام این حوادث در دورانی رخ میدهد که تناسب نیروها از هر نظر بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم، جنبشهای رهائی بخش خلقها در تمام جهان تغییر یافته است. صلح، استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی محتوای ایده های مارکس و لنین بوده و از اتحاد ارگانیک و تفکیک ناپذیری برخوردارند.

بقیه در صفحه ۲۰

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه

بقیه از صفحه ۴

آن ایستاده اند. و این حزب توده ایران است که با تمام وجود خود در صفا و دل از اجرای قانون اساسی دفاع می کند و هیچ حزب و سازمان دیگری در دفاع از قانون اساسی چنین پیگیر نیست.

کارگران و زحمتکشان ایران

اینک شما برای پنجمین بار اول ماه مه را در فضای پس از پیروزی انقلاب جشن می گیرید شما در این مدت امکان داشتید که تجربه بیاندوزید و عملکرد طبقات اجتماعی و سازمانهای سیاسی را به محک بزنید. شما در این مدت چهره کریه سرمایه داران و ملاکین بزرگ را بی چشم دید هاید و مشاهده کرد هاید که نظام سرمایه داری، نظامی که از رژیم شاه باقی مانده، چه نظام بیرحم و غارتگری است. در این چهار سال بهای کالاهای مورد نیاز مردم دو تا چهار برابر و گاه بیشتر شده و سرمایه داری ایران دست به چنان غارتی زده که در کمتر کشوری و کمتر زمانی سابقه دارد.

شما در این مدت قطعاً دریافتید که این غارتگری از روی بدخواهی و بد اخلاقی یک یا چند نفر نیست، که بتوان آنرا با موعظه یا جریمه بر طرف کرد، سرشت نظام سرمایه داری همین است. پیش از انقلاب، شاه و هوایند می گفتند که ما در ایران گرانی نداریم و گران فروشی داریم. شما آن روز بحق باور نکردید شما میدانستید که سخن بر سر یک یا دو گران فروش نیست که مسئله با جریمه و شلاق حل شود. امروز، مدافعین سرمایه داری غارتگر گمان کرد مانده که فهم شما گم شده و شما به همسلف حرفهای زمان سابق باور خواهید کرد، اینها باز هم بجای محکوم کردن نظام باقی مانده از زمان شاه و حل اساسی مسئله، بجای ایجاد نظام اقتصادی انقلابی و مبتنی بر عدالت اجتماعی در حرف چند نفر گران فروش را متهم می کنند، ولی در عمل میدان وسیعتری برای غارت آنها فراهم می آورند.

کارگران و زحمتکشان ایران

حزب توده ایران، حزب مدافع منافع شما زحمتکشان، معتقد است که عدالت اجتماعی جز با تغییر نظام اقتصادی، در جهت گسترش اقتصاد مردمی و محدود کردن سرمایه جزی با تقسیم اراضی میان دهقانان و برانداختن مالکیت های بزرگ، جز با تدوین و اجرای قانون کار مترقی و بیمه های اجتماعی گسترده، جز با ملی کردن واقعی بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه توزیع ملی و تعاونی زیر کنترل زحمتکشان، جز با گسترش سرمایه گذاری دولتی در صنایع و افزایش سریع تولید، مقدور نیست. اینهمه فشار به حزب ما چه در زمان شاه و چه امروز بخاطر داشتن و تبلیغ این معتقدات انقلابی و مردمی و پیکار خستگی ناپذیر برای عملی کردن آنهاست. از حزب خود دفاع کنید، در صفوف آن متشکل شوید، از سرکوب آن نهراسید و ریشه های حزب را در صفوف خود آبیاری کنید.

کارگران و زحمتکشان ایران

بیانید و یکبار بدقت حوادث انقلاب و مسیر تحول پس از انقلاب را بررسی و جمع بندی کنید. شما خود میدانید و امام خمینی بارها تأیید کرده که این انقلاب با خون شما به ثمر رسید. اما میوه انقلاب را سرمایه داران چیدنده آنها بودند که نخستین دولت پس از انقلاب را به نام دولت موقت تشکیل دادند و آنها هستند که با انواع توطئه ها جلوی پیشرفت انقلاب را می گیرند تا جائیکه امروز حتی قانون کار شاهنشاهی هم لغو شده و شما کارگران موضوع اجاره قرار گرفتاید و بیمه اجتماعی شما موکل به خمس و زکوات است.

یک لحظه فکر کنید و از خود بپرسید چرا؟ اگر دقت کنید پاسخ را خواهید یافت: سرمایه داران و ملاکین متشکلند و شما متفرق، تصادفی نیست که شاه جلوی تشکل شما را می گرفت و تصادفی نیست که امروز راست ترین محافظان افراطی قبیل از همه به شما راه می دهند و سندی یکاها ای کارگری و به حزب کارگری، حزب توده ایران، هجوم می برند و به تفرقه افکنی در صفوف انقلاب مشغولند.

عناصر افراطی راست گرا و دشمنان سوگند خورده انقلاب در این چهار سال هیچ فرصتی را برای شکستن صف انقلاب، برای دل سرد کردن توده مردم و جدا کردن آنها از امام و انقلاب، از انداختن نیروها و سازمانهای انقلابی به چن هم، از دست ندادمانند. بر اثر خرابکاری های آنها و منافشات و کج فهمی های برخی از پیروان صدیق خط امام، امروز نیروهای انقلاب بیساز همیشگی پراکنده اند. تا به حدی که توان کار بست رهنمود های امام را نیز ندارند و مدافعان سرمایه و راست گرایان افراطی موفق می شوند پیامها و رهنمود های امام را نادیده بگیرند و یا بسود خود تفسیر و بزیان مردم اجرا کنند.

باید متحد و متشکل شد، باید یکبار دیگر و زیر شعارهای روشنتر اجتماعی، صف واحد انقلابی تشکیل داد و به دفاع از دستاوردهای انقلاب و قانون اساسی ناشی از آن برخاست.

حزب توده ایران در این راه می رزمند و خواستار آنست که همه کارگران و زحمتکشان، همه نیروهای انقلابی وفادار به خط اصلی انقلاب و امام، از هر عقیده و مسلکی متحد شوند. هر که مسلک و عقیده خود را بهانه تفرقه افکنی قرار دهد باید در صداقت و یا آگاهی او تردید کرد. بر کارگران و زحمتکشان آگاه است که در اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران اندیشه اتحاد، صرف نظر از عقاید مذهبی و مسلکی را به میان وسیع ترین قشرهای زحمتکشان ببرند و به آنها نشان دهند که اول ماه مه درست به این دلیل و یا این نیت ایجاد شده است که ضرورت و امکان اتحاد همه ستکشان جهان را صرف نظر از ملیت، نژاد، مذهب، آید نژاد و عقیده سیاسی و وابستگی سازمانی اثبات کند.

در این روز بزرگ، روز شکوهند همبستگی جهانی زحمتکشان، نظری به دنیا بیافکنید! برادران هم رزم شما در سراسر جهان در صفوف متحد و با پرچی افراشته قدرتی بی پایان خود را سان می بینند. در این صفوف میلیونی هیچ کس از عقیده و نژاد و ملیت رفیق هم رزم خود بهانه نمی گیرد. همه آنها تیکه در این روز جشن پیکار جوانانه دارند. در یک چیز مشترکند: در مطالبه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی، در نبرد برای صلح و علیه امپریالیسم غارتگر. این اشتراک منافع اصلی تفاوت های کوچک را کنار می زند و بیسه زحمتکشان می آموزد که اختلاف عقیده و سلیقه خود را وسیله تفرقه قرار ندهند و از طریق بحث سالم و برادرانه، با حوصله و شکبیائی به حرف یکدیگر گوش کنند. بالاخره حقیقت که هزار تا نیست. حقیقت یکی است و آنرا نه با چماق و تکفیر و تفرقه افکنی، بلکه با برخورد سالم برادرانه و صادقانه می توان یافت.

کارگران و زحمتکشان ایران

ما امسال اول ماه مه را در شرایط دشواری برگزار می کنیم. امکان تظاهرات وسیع شانمانه از کارگران و زحمتکشان گرفته شده و عدای می کوشند این روز بزرگ را با تظاهرات عیوس و کنترل شده و با شعارهای ضد کارگری و انحرافی بنوعی سپری کنند.

برغم این دشمنان طبقه کارگر و عناصر ناآگاه بکوشید تا اول ماه مه را هر چه عمیق تر و بسا شکوهرتر برگزار کنید و در آن هم شعار اصلی اول ماه مه، یعنی همبستگی جهانی و طبقاتی زحمتکشان، هم سه شعار اصلی انقلاب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و هم شعارهای ویژه خود را در بزانه قانون کار، بیمه های اجتماعی، مسکن، دستمزد و تعاونی های کارگری مطرح کنید و اجرای اصلاحات ارضی انقلابی را طلب نمائید. امسال، رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول و گروهی از رهبران حزب توده ایران و صدها تن دیگر، اول ماه مه را در زندان، در سلول های انفرادی جشن می گیرند. آنها بخاطر دفاع از منافع شما بخاطر نبرد برای گسترش و تحقق انقلاب و بیمه تحرک مدافعان سرمایه و خادمین امپریالیسم به زندان افتاد مانده. در مراسم اول ماه مه خود، هرچا که هستید از این فرزندان خلف طبقه کارگر و مدافعان از جان گذشته انقلاب یاد کنید و بخواهید که آنان بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. و با نیرو و دانش عمیق انقلابی خود همچنان به زحمتکشان ایران خدمت کنند و در صف اول قرار گیرند.

برافراشته باد درفش اول ماه مه، روز همبستگی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان!
برقرار باد اتحاد همه نیروهای انقلابی وفادار به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!
افتخار به حزب توده ایران، حزب آزموده طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۲

از ترس پیشرفت انقلاب در دام امپریالیسم آمریکا میفتید

آقای بهزاد نبوی هفته گذشته پس از بازدید يك هیئت سی و چند نفری سوئدی از ایران در راس يك هیئت ۱۸ نفری به جهت مذاکره بسا مقامات مختلف اقتصادی و صنعتی ترکیه عزائم آنکارا شد.

آقای نبوی پیش از ترك تهران در گفتگویی اظهار داشت: در سال جاری حجم مبادلات ما با ترکیه بیش از میزان پیش بینی شده بوده است. وقتی این خبر را در کنار خبر بسط مناسبات اقتصادی با آمریکا، اروپای غربی، ژاپن و کشور های وابسته دیگر می گذاریم، عیان می گردد که مسئولان جمهوری اسلامی، بنحو خطرناکی از ترس " شرقی شدن "، "روز بروز بیشتر به " غربی ماندن و غربی تر شدن " نظام اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی تن می دهند، روز بروز کمتر به دام امپریالیسم آمریکا توجه می کنند. در چنین جوی که این همه دم از " استقلال " زده می شود، هیچ توجهی به این توطئه دامنه دار امپریالیسم آمریکا نمی کنند که:

" آمریکا به طرح سیاستی احتیاج دارد که استقلال و ثبات همه کشورهای منطقه از جمله ایران را تضمین کند (۱). آمریکا بایستی مشوق اروپای غربی، ژاپن و کشورهای مستعمر اسلامی برای بهبود روابطش با ایران باشد. " (ادوارد کندی - " صدای آمریکا " - به نقل از نیویورک تایمز)

همانگونه که روزنامه کیهان بد رستی نوشته است، معنی این سخن چیزی نیست جز اینکه: " آمریکا به طرح سیاستی احتیاج دارد که وابستگی همه کشورهای منطقه، از جمله ایران را بخود تضمین کند. " (بنابر این) آمریکا باید مشوق اروپای غربی، ژاپن و کشورهای وابسته بظاهر اسلامی برای تامین این وابستگی باشد. " (۱)

با در نظر گرفتن این توطئه دامنه دار حق نشینی مدام و بی توقف جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن، دم زدن از " استقلال " و " خود - کفایی " عبارت پردازی بی محتوایی بیش از کار نمی آید. این چه استقلالی است که روابط اقتصادی با کشورهای نظیر پاکستان، ترکیه و غیره ... که خود تا مغز استخوان وابسته می باشند، مرتباً توسعه می یابد؟

دولت نادر دست بسته نمی تواند به محرومین رسیدگی کند

آقای موسوی نخست وزیر در ملاقات با

حکام شرع و اعضای هیئتهای واگذاری زمینس سخنان مبسوطی پیرامون لوايح بنيادی، سیستم توزیع، تعاونیها و بخش خصوصی ایراد کرد. وی از جمله درباره تجارت خارجی گفت: " اگر یادتان باشد آنوقت که قانون اساسی نوشته شد تجارت خارجی چیز مشخصی بود که باید ملی یا دولتی شود. حالا لایحه این کار تنظیم شده و به مجلس رفته و دچار مشکل شده است. "

نخست وزیر در ادامه اظهاراتش با اشاره به " ابهام اذیت کننده " که در مورد مسئله تجارت خارجی حاکم است می گوید: " مسئله ای نیست که الان دولت بنشیند تصمیم بگیرد و فردا مسئله حل شود. دولت تصمیم خود را گرفته و لایحه خود را داده

ولی مسئله حل نشده است. " آقای موسوی همچنین در مورد سایر مسایل حاد جامعه از قبیل اراضی مزروعی، قانون کار، صنایع ملی شده، توزیع، حدود فعالیت بخش خصوصی، تعاونی ها و ... تصریح می کند که در تمامی این عرصه ها ابهام حاکم است و حل این ابهام نیز در اختیار دولت نیست.

روزنامه اطلاعات در همین مورد می نویسد: هما - نظور که می بینیم مهندس موسوی به عنوان رئیس دولت جمهوری اسلامی از مشکل بزرگی رنج می برد که در آغاز بدان اشاره کردیم و آن اینکه برای تحقق اهداف والای جمهوری اسلامی جهت برقراری عدل و قسط در جامعه طاقت زده مان ابزار و وسائل لازم را در اختیار ندارد. آری، در همه عرصه ها قدرت تصمیم گیری از ارگانهای جمهوری سلب شده است، چرا که در همه عرصه ها محافظه کاران راستگرا، نفوذی های حجتیه، ساواک، فراماسونری، راناری ها، لاینز ودها " کلوپ " و " انجمن " دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بفرا - موشی سپرده و عملاً مشروعیت آنرا زیر علامت سوال برد مانند.

روزنامه اطلاعات در ۲۷ فروردین می نویسد: قانون اساسی که خونبهای خون دهبها هزار شهید و معلول گرانقدر انقلاب اسلامی است چهار چوب های دقیقی و اساسی مسائل اقتصادی را که در پرتو آن " تامین استقلال - اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت پیش بینی شده است را ترسیم نموده و جای هیچگونه حرفی باقی نگذاشته اما مع لاسف هنوز مرکب قانون اساسی که با خون سرخ همه شهدای انقلاب اسلامی و خصوصاً شهدای عزیز و گرانقدری هم چون شهید مظلوم بهشتی، شهید مدنی، شهید صدوقی و ... نوشته شده خشک نشده است و هنوز صدای امام در گوشها طنین افکن است که فرمودند " من اشکال شرعی در این قانون نمی بینم " که ناگهان در گوشه و کنار شاهد زمره هائی مبنی بر زیر سوال قرار دادن مشروعیت قانون اساسی هستیم. زمره هائی که گاه مستقیم و گاه غیر مستقیم اصالت شرعی این قانون مقدس که بدست خبرگان و برگزیدگان امت و فقهای ارجحندی همچون فقیه مجاهد آیت الله



العظمی منتظری و حضرت آیات مشکینی، بهشتی صدوقی، مدتی و فرزادگانی چون با هنر و خامنه - ای و رفسنجانی نوشته شده است را به زیر سر ذره بین ابهام می برند. اگر قانون اساسی به صراحت از دولتی شدن بازرگانی خارجی سخن می گوید عده ای می گویند صلاح نیست تجارت، دولتی شود. اگر قانون اساسی میخواهد تا از تداول و تمرکز ثروت در دست عده معدودی جلوگیری کند گروهی بنام دفاع از آزادی و حرمت مالکیت جلو مبارزه بسا تداول و تمرکز سرمایه در دست عده ای معدود را می گیرند.

اگر قانون اساسی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تقسیم می کند افرادی تنها سنگ بخش خصوصی را به سینه می زنند و به گفته برادر مرتضی الویری نماینده محترم مجلس " قانون اساسی را زیر سوال برده و می گویند صنایع مشمول بند های الف، ب و ج قانون حفاظت و تولید صنایع به بخش خصوصی برگردد و حتی می گویند افرادی نظیر القانین و ثابت پاسال از نظر سیاسی آلوده بود مانند و از بقیه در صفحه ۱۹

در هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۸

نظر مالکیت نمی‌توانیم به آنها اشکال بگیریم پس مالکیت اینها باید سر جای خودش باشد و به آنها برگشت داده شود. این جریانات و افراد اگر قانون اساسی بر ضرورت تشکیل شوراها در سراسر کشور و در واحد های تولیدی و... تصریح کرده آنها شعار کمونیستها دانسته و عملاً جلسو اجرای قانون را سد می‌نمایند...
 " اگر قانون اساسی در جامعه دقیقاً اجر شود. اگر اصول قانون اساسی در زمینه های اقتصادی دقیقاً اجرا شود، بیشک قانون اساسی یکی از دقیق ترین قوانین است که میتواند مشکل فقر را بطور اساسی در جامعه ریشه کن کند.

روزنامه اطلاعات ادامه میدهد: " اگر قرار است به ظلم و جورخانان در روستاها پایان داده شود و روستاهای ما دوباره بتوانند پرتلاش جهت نیل به خود کفائی کشاورزی حرکت کنند می‌بایستی زمینهای بناحق غصب شده از دست خوانین و ملاکین گرفته شده و به صاحبان واقعی آنها برگردد تا آنها علاوه بر بهره وری لازم از حاصل تلاش و کار خویش بر مبنای مساعدت با دولت اسلامی متناسب با برنامه ریزی های استقلال اقتصادی جمهوری اسلامی کشت نمایند...
 " اگر قرار است جلوفارت بجد و حصر و عنان گسیخته توده مردم توسط سرمایه داران و سودجویان بزرگ گرفته شود جامعه اسلامی اذام مصرف و افتادن در منجلاب تحمل پرستی و لوکس خواهی رهایی یابد باید دست دولت در کنترل تجارت خارجی باز باشد.

اگر قرار است که کارگران به دستمزد واقعی خود برسند و دوران رنج افزا و طاقت فرسای استثمار پایان گیرد و کارگران طعم عدالت اسلامی را بچشند باید قانون کار خورشان جمهوری اسلامی و مدافع حقوق کارگران وجود داشته باشد و دولت در روابط کارگسر و کارفرما حق نظارت و در مواقع ضروری حق دخالت داشته باشد.

اگر قرار است به عمر استثمار فرد از فرد پایان داده شود، اگر قرار است در جامعه اسلامی جلوتد اول و تمرکز ثروت گرفته شود. اگر قسبوار است که به هرکس که میخواهد کار کند و قدرت کار کردن دارد ابزار کار داده شود بایبند تعاونیها در عرصه های مختلف صنعتی و تجاری گسترش یابند و انحصار بخش خصوصی شکسته شود.

دهقانان نگران سرنوشت انقلابند

پس از رد لایحه اصلاحات ارضی از سوی شورای نگهبان (در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۶۱) دهقانان زحمتکش به حق نگران سرنوشت خویش

و انقلاب میباشند و با ارسال نامه ها و طومارها به مقامات مسئول کشوری و مبارزات خود پایسن منظور ادامه میدهند هفتان علی آباد قدیمی در نامه خود به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی مینویسند:

" ماد هقانان روستای علی آباد سرتپ، مشهور به علی آباد قدیری و توابع و روستاهای حاجی آباد فلاح و حجت آباد فهیمی و خضر آباد و غیر آباد جیرفت سالهاست که زیر یوغ خانها و نفوذ آنها زندگی مشقت باری را گذرانده ایم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این امید بدل ما روستائیان خانزده راه یافت که روزهای تیره بختی و سیاه روزیمان بپایان رسیده و دارای آب و زمین میشویم و از جنگال مالکان و نفوذ آنها رهایی می‌یابیم. همچنین دست واسطه‌ها، دلالان، سلف - خررها و محتکرین که هم اکنون نیز دسترنج مسلمان زحمتکشان را از راههای مختلف به جیب خسود می‌زنند کوتاه خواهد شد. بنابراین ما روستائیان این روستاها ضمن پشتیبانی از ولایت فقیه و پیروی ان راستین امام خواهان اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و دیگر قوانین اسلامی بنفع کشاورزان می‌باشیم.

امضاء و اثر انگشت تعداد زیادی از کشاورزان فتودالها بطور متشکل و سازمان یافته، به تبلیغات علیه نهادهای انقلاب اسلامی برخاسته‌اند

آقای خسرو حاج مرادخانی یکی از اعضای هیئت ۷ نفره واگذاری زمین گنبد و گرگان در گزارش فعالیتهای هیئتهای واگذاری زمین در گنبد مینویسد: قانونی که توسط مجلس شوروی اسلامی تصویب شد، با وجود تفاوتی که بنا قانون مصوب شورای انقلاب داشت، ولی پینحوی بود که میتوانست بسیاری از مشکلات کشاورزی و بیکاری را حل کند. البته نباید از این نکته غافل ماند که اشکالاتی نیز بر طرح وارد بسود مسئولی نظیر خرید و فروش اراضی مزرعی جهت واحد های مسکونی و تبدیل اینگونه اراضی به باغ که پس از پیروزی انقلاب بطور فزاینده ای جهت فرار از واگذاری اراضی شان توسط فتودالهای از خدا بی‌خبر صورت گرفته و میگردد، مورد توجه واقع نشد و حتی برای جلوگیری از اینگونه کارها در آینده نیز، پیشنهادی نشده بود، که انشاء الله پس از اصلاحاتی که توسط مجلس شورای اسلامی صورت خواهد گرفت، قانونی کاملاً جامع جهت اجرا ارائه شود.

وی در مورد کل اراضی مزرعی منطقه گنبد و گرگان و میزان اراضی فتودالها از این اراضی، گفت: در منطقه گنبد و گرگان حدود ۵۰ هزار هکتار اراضی مزرعی وجود دارد که نصف آن متعلق فتودالهاست. قابل توجه است که این اراضی توسط رژیم شاه خائن از مردم مستضعف غصب و به خانها و مالکان وابسته به دربار، بطور رایگان واگذار شد و یا با قیمت های ناچیز، بفروش رسید، و به صراحت میتوان گفت که، اراضی

فتودالها کلاً غصبی بوده و بهمین علت است که این اراضی بلااستثناء دارای معارض است. عضو هیئت واگذاری زمین گنبد و گرگان سپس در مورد تعداد خانوارهای بی‌زمین در منطقه خانوارهایی که با اجرای قانون واگذاری اراضی می‌تواند صاحب زمین شوند، اظهار داشت: در شهرستان گنبد و گرگان، با بخشهای تابعه آن، حدود ۹۰ هزار خانوار بی‌زمین حدود ۳ هکتار زمین خواهد رسید که هزار هکتار زمین را تحت کشت دارند، و این در حالی است که ۲۵۰۰ خانوار مالک حدود یک دوم (نصف) کل اراضی منطقه را مالک هستند (و بقیه زمینها در اختیار خرده مالکان است) با محاسبات انجام شده مشخص شد که چنانچه حقیق مالک را تا چهار برابر عرف محلر کنار بگذاریم، از اراضی باقی مانده به هر خانوار بی‌زمین حدود ۳ هکتار زمین خواهد رسید که به این وسیله ۹۰ هزار خانوار از سرگردانی و آوارگی در شهرها، در جستجوی کار، نجات یافته و اشتغال می‌یابند.

وی در مورد مشکلاتی که هیئتهای واگذاری زمین با آن مواجه هستند، گفت: مشکل عمده هیئت، بلا تکلیفی و عدم وجود قانونی برای حل مشکل زمین است. با توجه به اینکه در استان مازندران اراضی موات وجود ندارد و با در نظر گرفتن توقف اجرای بندهای " جیم " و " دال " سابق، فقط اراضی مشمول بند (ب) جهت واگذاری باقی میماند که با زیر سؤال بسردن اراضی مشمول این بند، عملاً کاری برای هیئتهای باقی نمی‌ماند.

عضو هیئت واگذاری زمین گنبد و گرگان، در رابطه با مشکل فتوداليسم در منطقه و کارشناسی فتودالها از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون، گفت: فتوداليسم در منطقه ما در چهاره های گوناگونی ظهور پیدا کرده است. از جمله استفاده از نقاب مذ هب، وابستگی مستقیم به رژیم سرنگون شده پیشین (بیشتر افسران بازنشسته)، و یا مزدوری نزد يك ایدای دربار و پهلوی خائن در هر حال تمامی آنها آنچنان جنایاتی مرتکب شده‌اند، که این جنایات ماهیت پلید آنها را برای مردم بخوبی آشکار کرده است.

فتودالها پس از گذشت ۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، بدلیل عدم برخورد انقلابی و بنیادی با آنها، می‌پندارند که وارثان همان مال و ناموس زارعین هستند و در نهایت، باز هیچکامیت آنها برقرار خواهد شد. به همین دلیل بی‌بهره متشکل و سازمان یافته به تبلیغات علیه نهاد های انقلاب اسلامی با مارکهای گوناگون پرداخته و به تضعیف روحیه مردم در سطح روستاها برخاسته‌اند، تا بتوانند زمینه تسلط مجدد و استثمار خود را فراهم سازند.

وی تاکید کرد: باید جو سازی‌ها، ایجاد جنگ تحمیلی، ترور شخصیت‌ها، احتکار و گرانفروشی، تمامی توطئه‌هایی را که باعث عدم اجرای قوانین انقلابی و اضیل اسلامی در کشورمان شده است را بهم مربوط دانست. زیرا تمامی این حرکتها در جهت حمایت از مستکبرین و مایوس کردن مستضعفین از انقلاب اسلامی و در نهایت تضعیف نظام جمهوری اسلامی صورت میگیرد.



صلح هدف سوسیالیسم است

جلسه بزرگداشت ۱۱۳ مین سالگرد تولد لنین در مسکو با حضور رهبران حزبی و دولتی و نیز نمایندگان زحمتکشان و دانشمندان و دیگر اقشار اجتماعی اتحاد شوروی و میهمانان خارجی برگزار شد. در این جلسه میخائیل گورباچف عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سخنرانی کرد.

وی در سخنرانی خود اظهار داشت: با وجود اینکه لنین و مارکس در دو زمان مختلف زندگی میکردند، اما تاریخ نامهای آنان را برای همیشه به هم پیوند داده است. هدف مشترکی هر دو را متحد ساخته است: رهایی طبقه کارگر. جهان قرن بیستم تغییر بسیاری یافته و سوسیالیسم برای یک سوم مردم جهان واقعیت عینی است. وحدت حزب و پیوند خلل ناپذیر آن با مردم اساس پیروزیهای بازم بیشتری را تشکیل میدهد.

وی گفت: اتحاد شوروی خواهان ایجاد روابطی معقول در جهان است و سیاست جلوگیری از جنگ را دنبال میکند و بدین طریق به لنین و استراتژی صلح ری و همچنین اصول لنینی سیاست خارجی سوسیالیستی وفادار میماند.

میخائیل گورباچف اظهار داشت که علت اصلی وخامت اوضاع بین المللی را باید در طرز برخورد ماجراجویانه تجاوزکارترین محافل امپریالیستی به مسئله هند و مصر - یعنی مسئله جنگ و صلح جستجو کرد. نظام سرمایه داری با بحران سختی مواجه است. این بحران اقتصاد و سیاست، زندگی مادی و معنوی جامعه بورژوازی را در بر گرفته است. تجاوزکارترین محافل امپریالیستی، به ویژه امپریالیسم آمریکا میکوشند از طریق دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی و تهدید نظامی از این بحران خارج شوند و با مبارزه جوشی تاریخی سوسیالیسم مقابله کنند. در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی

پنجمین سالگرد انقلاب ثور (اردیبهشت) در افغانستان

در جشنی که بمناسبت بزرگداشت پنجمین سالگرد انقلاب ثور در کابل پایتخت افغانستان برپا شد رفیق بیکر کامل بررسی کوتاهی از دستاوردهای انقلاب، طی این مدت کوتاه بعمل آورد. او گفت سقوط رژیم سلطنتی در هفتم اردیبهشت ۱۳۵۸ یک رویداد تاریخی است که راه مردم افغانستان را بسوی پیشرفت توسعه، خوشبختی و درگونیهای بنیادی گشود.

تجربیات پنجسال گذشته نشان داد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان قادر است خلسق و جامعه را رهبری کند. علیرغم شرایط بی نهایت دشوار و تحدادی اشتباهات ذهنی در مراحل اولیه، حزب نشان داد که میتواند پیروزی نهایی انقلاب را تأمین کند. حزب از نظر سیاسی، ایدئولوژیکی و سازمانی نیرومند گردیده است. کمیته مرکزی بزودی تدابیر تازه ای را برای تحکیم بازم بیشتر وحدت سازمانی حزب اعلام خواهد کرد.

رفیق کامل گفت که مبارزه با ضد انقلاب برای تأمین یک زندگی سالمت آمیز بطور همزمان با مبارزه برای حل مسائل مرم اقتصاد در صورت میگیرد. تکامل بعدی دستاوردهای انقلاب

هیچ نیروی وجود ندارد که خواهان جنگ و محاصره تسلیحاتی و یا تشدید وخامت اوضاع بین المللی باشد. صلح و تنفی زدانی، امنیت عمومی و همکاری عادلانه و با نفع متقابل و همچنین حق غیر قابل انکار ترقی ملی و اجتماعی، تعیین سرنوشت خلقها جزو اهداف سوسیالیسم اند.

برای منزوی کردن سیاسی و اجتماعی ضد انقلاب اهمیت بسیار زیاد دارد. باین جهت تکامل همه جانبه کشور و بازسازی موسسات اقتصادی آسیب دیده از اهزنان همانقدر مهم است که بیکار علیه خود ضد انقلاب.

از اینرو حزب و دولت برای گسترش صنایع و کشاورزی در سال جاری کوشش بسیار زیادی می کنند. با وجود یک جنگ اعلام نشده امپریالیسم زیانهای زیادی به اقتصاد کشور میزند. دولت توانسته است بودجه لازم برای تحقق برنامه های مربوط به بهداشت و درمان همگانی، آموزش، سواد آموزی و توسعه فرهنگ ملی را تأمین نماید. در آینده نیز دفاع از کارگران و دهقانان و انجام بعدی اصلاحات ارضی و نظام آبیاری ادامه خواهد یافت.

گرچه امپریالیسم آمریکا دخالت نظامی و فیلحه خود را در امور داخلی کشور ما همچنان ادامه می دهد، ولی دولت انقلابی مواضع خود را مستحکم ساخته است. اکنون میتوان گفت دیگر مرحله شکست کامل ضد انقلاب و نابود کردن راهزنی فرا رسیده است.

اجلاس شورای ملی فلسطین و پیشنهادات صلح اتحاد شوروی پشتیبانی کردند. آنها همچنین اعلام کردند که در نظر دارند روابط سیاسی میان خود را تحکیم کنند.

دیدار دوستانه

یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و رئیس ویلتر، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل باهم دیدار و گفتگو کردند. طرفین در این گفتگوها اعلام کردند که خواهان حل عادلانه مسئله فلسطین و برقراری صلح پایدار در منطقه اند. آنها تأکید کردند که این صلح باید بر مبنای پایان اشغال سرزمینهای عربی و همچنین تحقق حقوق ملی خلق فلسطین، از جمله حق تعیین سرنوشت و ایجاد دولت مستقل فلسطینی برقرار گردد. هر دو طرف از مصوبات شانزدهمین

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رقای هوادار حزب توده ایران در گوتینگن

هزینه چاپ شماره ۳۸ "راه توده" را تأمین کردند

رفیق ۱۸۱۸، سوئد ۲۰۰، مارک جلال الف، بارسلن ۵۰۰۰، پرتاب

RAHE TUDEH
No. 39
Friday, 29 April 83

Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30	P.
West-Germany	Belgium 22	Fr.
	Italy 600	L.
France	1 DM	
	Fr. U.S.A. 40	Cts
Austria 8	Sch. Sweden 3	Skr.

از طبیعی یا اجتماعی، در مشخصات عینی آن مورد بررسی قرار میدهد، تمام نیروی خود را بکار خواهد برد تا وظیفه خویش را به مثابه گسردان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، ایفا نماید. حزب توده همبستگی بین المللی همه نیروهای ضد امپریالیستی جهان در این نبرد مقدس تکیه دارد.

حزب ما در گذشته به پرچم ظفر منسید اندیشه مارکس و انگلس و لنین، در دشوارترین شرایط تاریخی جهان و ایران، وفیادار بوده و در آینده نیز وفادار خواهد بود.

— زنده باد مارکسیسم - لنینیسم

از توجه شما سپاسگزارم

کنفرانس علمی "کارل مارکس و زمان ما"

بقیه از صفحه ۱۶

محتزای بشرد و ستانه، ترقیخواهانه و رهایی بخش این ایده های دوران ساز است که قلمب میلیونها زحمتکش، انسانهای صلح طلب و ترقیخواه را تسخیر کرده است. این ایده ها با توان مادی و معنوی جامعه کشورهای سوسیالیستی در درجه اول اتحاد شوروی پیوند خورده است، این ایده ها به راهنمای دوران پر حادثه مسا تبدیل شده و آینده های آزاد و سعادت تمند را برای بشریت تضمین میکنند.

حزب ما با الهام از روح خلاق و پویا، انقلابی و انتقادی مارکسیسم، که واقعیت را اعم